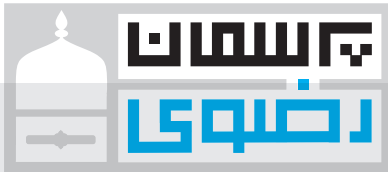




سرشناسه: پورامینی، محمدباقر، ۱۳۴۷ -
عنوان و نام پدیدآور: سبک زندگی: منشور زندگی در منظر امام رضا (ع) / نویسنده محمدباقر پورامینی؛ تهیه معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی.
مشخصات نشر: مشهد: انتشارات قدس رضوی، ۱۳۹۱. فروست: پرسمان رضوی؛ شابک: ۷-۶۱-۲۹۹-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا یا یادداشت: کتابنامه. موضوع: علی بن موسی (ع)، امام هشتم، ۱۵۳-۲۰۳ ق. -- پرسش‌ها و پاسخ‌ها - فضایل
شناسه افزوده: آستان قدس رضوی. معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی؛ مؤسسه انتشاراتی قدس رضوی
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۱ ج. ۴۷ پ. ۹۳۵/۳۵/۳۵
رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۷
شماره کتابشناسی ملی: ۳۰۲۴۸۲۲

سبک زندگی

منشور زندگی در منظر امام رضا علیه السلام



محمد باقر پورامینی

	
<p>نام اثر: سبک زندگی؛ منشور زندگی در منظر امام رضا <small>علیه السلام</small></p>	
<p>نویسنده: محمد باقر پورامینی</p>	
<p>تهیه: اداره پاسخ‌گویی به سؤالات دینی آستان قدس رضوی</p>	
<p>چاپ نخست: تابستان ۱۳۹۲</p>	
<p>ناشر: انتشارات قدس رضوی</p>	
<p>شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۹۹-۰۶۱-۷</p>	
<p>شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه</p>	
<p>نشانی: مشهد، حرم مطهر امام رضا <small>علیه السلام</small>، اداره پاسخ‌گویی به سؤالات دینی</p>	
<p>تلفن: ۲۲۳۵۳۱۲ - ۰۵۱۱ - نمابر: ۰۲ - ۲۲۴۰۶ - ۰۵۱۱</p>	
<p>به‌کوشش: محمدحسین پورامینی</p>	
<p>ویراستاران: سمیرا میرنظامی، محمد مهدی باقری</p>	
<p>مدیر هنری: سیدحسین موسی‌زاده</p>	
 <p>معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی</p>	 <p>اشارات قدس رضوی</p>



فهرست مطالب

فصل اول سبک زندگی معیار

- ۱۷ ■ مفهوم سبک زندگی
- ۱۸ ■ ارتباط سیره و سبک زندگی
- ۱۹ ■ پیروی از سیره
- ۲۰ ■ نقش سازنده الگوها در زندگی

فصل دوم ارتباط با خدا

- ۲۷ ■ پارسایی و بندگی
- ۲۸ ■ آداب نماز
- ۲۸ ■ حکمت نماز
- ۲۹ ■ کیفیت نماز
- ۳۰ ■ نماز اول وقت
- ۳۲ ■ سجده
- ۳۲ ■ نماز جماعت
- ۳۳ ■ چرایی وضو
- ۳۴ ■ روزه و رمضان
- ۳۶ ■ حکمت و آداب حج
- ۳۷ ■ انس با قرآن
- ۳۸ ■ تلاوت روزانه قرآن
- ۳۹ ■ جذبه نماز شب
- ۴۱ ■ نماز جعفر طیار
- ۴۲ ■ اثر دعا
- ۴۲ ■ ملاک ارزش گذاری
- ۴۳ ■ در اندیشه فردا
- ۴۴ ■ ترک گناه
- ۴۶ ■ صلوات

۴۷ ■ شکرگزاری

۴۸ ■ ذکرهای معتبر

فصل سوم ارتباط با خود

۵۵ ■ اهمیت هویت

۵۶ ■ تفکر و اندیشیدن

۵۷ ■ نشانه‌های خردورزی

۵۸ ■ توکل

۵۹ ■ فراگیری دانش

۶۰ ■ فهم دین

۶۱ ■ شکیبایی

۶۲ ■ مشورت

۶۳ ■ ارزیابی و حسابگری

۶۳ ■ دوری از ذایل

۶۴ ■ تلخی‌ها و خوشی‌های زندگی

۶۵ ■ کار و تلاش

۶۷ ■ مصرف معتدل

۶۷ ■ آراستگی

۶۸ ■ بهداشت و نظافت

۶۹ ■ تفریح

۷۱ ■ سیر و سفر

۷۲ ■ خواب و تعبیر خواب

۷۳ ■ مسکن مناسب

۷۴ ■ ساده‌زیستی

۷۵ ■ لباس و پوشش

۷۶ ■ خوردن و آشامیدن

فصل چهارم ارتباط با خلق

- ۸۱ ■ معاشرت کریمانه
- ۸۳ ■ احسان و دست‌گیری
- ۸۵ ■ برترین‌ها و بدترین‌ها
- ۸۶ ■ رعایت حقوق مردم
- ۸۷ ■ شوخی و شادابی
- ۸۸ ■ عیادت بیمار
- ۸۸ ■ ارتباط با والدین
- ۹۰ ■ انتخاب همسر
- ۹۰ ■ رفتار با همسر
- ۹۱ ■ با خاندان و خانواده
- ۹۲ ■ رفتار با فرزند
- ۹۳ ■ با مدیران
- ۹۴ ■ منشور زندگی جمعی
- ۹۷ ■ کتابنامه

فهرست پرسش‌ها

- ۱۷ سبک زندگی به چه معناست و آیا می‌توانیم نوعی سبک زندگی از سیره و سخن امام رضا علیه السلام بیرون بکشیم و سرلوحه خود قرار دهیم؟
- ۱۸ وقتی از سیره امام رضا علیه السلام صحبت می‌شود، منظور چیست و چه ارتباطی با سبک زندگی ممکن است داشته باشد؟
- ۱۹ آیا واقعاً می‌توانیم با مطالعه سیره حضرت رضا علیه السلام از آن الگو بگیریم؟
- ۲۰ نقش الگوهای دینی در زندگی ما چیست؟ قرآن در این باره چه فرهنگی را ترویج می‌کند؟
- ۲۷ می‌خواستم درباره نوع عبادت و ارتباط امام با خدا بدانم. سیره ایشان چگونه بود؟
- ۲۸ امام رضا علیه السلام برای آداب نماز چه توصیه‌ای می‌فرمودند؟ برای الگوگیری از آن، نمونه‌هایی بیان کنید.
- ۲۸ چرا نماز واجب شده است و چرا ما باید نماز بخوانیم؟
- ۲۹ شیوه نماز حضرت ثامن الحجج علیه السلام جذاب و شنیدنی است. آیا روایتی درباره نوع نمازخواندن امام وجود دارد؟ لطفاً دقیق بیان کنید.
- ۳۰ راز خواندن نماز اول وقت چیست و سیره امام رضا علیه السلام در این باره چگونه بود؟
- ۳۲ چرا پیشوایان و معصومان علیهم السلام بر سجده کردن سفارش می‌کردند و سیره عملی آنان نیز پایبندی بر انجام دادن آن بود؟
- ۳۲ امام رضا علیه السلام درباره نماز جماعت و اهمیت و حکمت آن چه سخنی دارند؟
- ۳۳ چرا مردم باید وضو بگیرند و برای چه این شیوه خاص را برای وضو واجب کرده‌اند؟
- ۳۴ چرا مردم باید روزه بگیرند و چرا فقط باید در ماه رمضان روزه گرفت؟
- ۳۶ چرا به انجام دادن حج تأکید می‌شود و حتی آن را واجب می‌شمارند. امام رضا علیه السلام درباره آداب این سفر چه نکاتی می‌فرمایند؟
- ۳۷ سیره امام رضا علیه السلام در انس با قرآن چگونه بود؟ به چه نحوی می‌توانیم با تاسی از امام با قرآن انس بگیریم؟

- ۳۸ چه برنامه منظمی برای تلاوت قرآن توصیه می شود؟
- ۳۹ چرا به خواندن نماز شب توصیه می شود؟ این نماز در سیره عبادی امام رضا علیه السلام چه جایگاهی دارد؟
- ۴۱ نماز جعفر چگونه است؟ دلیل اهمیت آن چیست و آیا امام رضا علیه السلام آن را می خواندند؟
- ۴۲ درباره جایگاه و اهمیت دعا، جمله ای از امام رضا علیه السلام بیان کنید.
- ۴۲ در دین اسلام، ارزش گذاری افراد به چیست؟ شاخص و ملاک بهتر بودن را معین کنید؟
- ۴۳ امام رضا علیه السلام درباره مرگ و معاد چه موعظه ای بیان کرده اند؟
- ۴۴ بسیاری از ما آلوده به گناهیم. چه کنیم تا با تاسی به فرهنگ رضوی از گناه دور شویم و زندگی مان نورانی شود؟
- ۴۶ آثار و برکات صلوات چیست و تأثیر صلوات در انس و ارتباط با خدا چگونه است؟
- ۴۷ چرا در ارتباط انسان با خدا به شکرگزاری توجه بسیاری شده است؟
- ۴۸ آیا در سیره و کلام امام رضا علیه السلام به گفتن اذکار خاصی توصیه شده است؟
- ۵۵ هویت در زندگی انسان، به ویژه جوان، چه نقش و تأثیری دارد و نبود آن چه آفاتی در پی خواهد داشت؟
- ۵۶ خرد و خردورزی در نگاه امام چه جایگاهی دارد؟
- ۵۷ آیا خردورزی نشانه ای دارد که بتوان با آن شاخص، انسان خردمند را شناخت یا خود را با آن سنجید؟
- ۵۸ خداوند همگان را به توکل و اعتماد به خود تشویق می کند. توکل به چه معناست؟ سخنی از حضرت رضا علیه السلام در تفسیر کلام خدا بیان کنید.
- ۵۹ علم و فراگیری دانش چه جایگاهی نزد حضرت رضا علیه السلام دارد؟
- ۶۰ رابطه ما با دین باید چگونه باشد و در مکتب رضوی چه توصیه ای در این باره ترسیم شده است؟
- ۶۱ در برابر مشکلات و سختی ها چه کنیم؟ در متون دینی ما از امام رضا علیه السلام چه توصیه ای بیان شده است؟

۶۲ ■ چرا در اسلام بر مشورت و دوری از تک‌زوی تأکید می‌شود؟ آیا مشورت در سیره امام رضا علیه السلام هم جایگاهی داشته است؟

۶۳ ■ در اسلام بر حسابگری خود بسیار تأکید شده است. راز توجه به این ارزیابی خویشتن چیست؟

۶۳ ■ درقبال شخصیت خودمان، از چه ویژگی‌های ناپسندی باید دور باشیم؟

۶۵ ■ دیدگاه امام رضا علیه السلام درباره ارزش کار و آداب کارکردن چیست؟

۶۴ ■ برای هر فردی در زندگی فرازونشیب‌هایی وجود دارد. با الهام از امام رضا علیه السلام با تلخی و خوشی زندگی چگونه کنار آییم؟

۶۷ ■ در اداره زندگی و شیوه هزینه‌کردن چگونه عمل کنیم؟ آیا خرج‌کردن زیاد برای خانه و خانواده اسراف است؟

۶۷ ■ آیا امام علیه السلام به آراسته بودن خود اهتمام داشتند؟ به طور مثال، به سرو روی خود می‌رسیدند یا از عطر استفاده می‌کردند؟ توصیه امام در این باره چه بود؟

۶۸ ■ اسلام بر رعایت پاکیزگی و بهداشت بسیار تأکید می‌کند. سخنی از امام رضا علیه السلام در این باره بیان کنید؟

۶۹ ■ شادزیستن و استفاده از تفریحات در زندگی، در نگاه امام رضا علیه السلام چه جایگاهی دارد؟

۷۱ ■ برای مسافرت، چه آداب و ویژگی‌هایی توصیه می‌شود؟

۷۲ ■ آیا خوابیدن آداب خاصی دارد؟ درباره تعبیر خواب چه رهنمودی وجود دارد؟

۷۳ ■ حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کنند که داشتن خانه، نشانه خوشبختی مردم است. در این باره توضیح دهید؟

۷۴ ■ سبک و شیوه زندگی امام رضا علیه السلام چگونه بود؟ نظر ایشان درباره ساده‌زیستی و تجمل‌گرایی چه بود؟

۷۵ ■ با توجه به ساده‌زیستی امام رضا علیه السلام در کیفیت لباس و پوشش، چگونه از ایشان الگو بگیریم؟

۷۶ ■ برای خوردن و آشامیدن چه آدابی وجود دارد؟ امام رضا علیه السلام چه توصیه‌ای در این زمینه می‌کنند؟

- ۸۱ حضرت رضا علیه السلام در برخورد با دیگران چه سبکی داشتند؟ از اخلاق کریمه آن بزرگوار یاد کنید.
- ۸۳ کمک و احسان امام به نیازمندان چگونه بود؟ لطفاً نمونه‌هایی از آن را بیان کنید؟
- ۸۵ آیا در زندگی جمعی، می‌توان از بهترین‌ها و بدترین‌ها یاد کرد؟
- ۸۶ در سیره معصومان علیهم السلام نمونه‌های فراوانی از رعایت حقوق مردم را خوانده یا شنیده‌ایم. شیوه امام رضا علیه السلام در این خصوص چگونه بوده است؟
- ۸۷ در سیره رضوی، مزاح چه جایگاهی دارد و مز شوخی با دیگران کجاست و مزاح در نشست و برخاست‌ها چگونه است؟
- ۸۸ به چه دلیل در سخنان معصومان علیهم السلام بر عیادت بیمار توصیه می‌شود؟
- ۸۸ آموخته‌ایم که رفتار نیکو با والدین در اولویت نخست آداب معاشرت جای دارد. چند نکته درباره رفتار و نوع برخورد با آنان بیان کنید؟
- ۹۰ از امام علیه السلام یک معیار برای انتخاب همسر بیان کنید؟
- ۹۰ امام رضا علیه السلام درباره رفتار با همسر چه می‌فرمایند؟
- ۹۱ سیره امام رضا علیه السلام را در خصوص نحوه معاشرت با خویشاوندان و رفتار با اهل خانواده بیان فرمایید.
- ۹۲ امام رضا علیه السلام در خصوص فرزندان چه گفتاری دارند؟
- ۹۳ مهم‌ترین وظیفه‌ای که هر مدیر و مقام دولتی برعهده دارد، چیست؟
- ۹۴ در زندگی جمعی چه توصیه‌ی مشخصی از امام رضا علیه السلام به ما رسیده است تا بدان عمل کنیم؟



پیشگفتار

حضور در حرم جزو لحظه‌های به یادماندنی زندگی هر زائر است. او در این بوستان بهشت، خود را به دست نسیم رحمت الهی می‌سپارد و به برکت توجه حجت پروردگار و در پرتو حضور در محضر ولی خدا و به یمن دعا و عنایتش، زندگی دنیوی و اخروی خویش را با انوار خورشید امامت، نورانی می‌سازد.

براین باوریم که همه زائران این بهشت، عزیزند و گران‌مایه و وظیفه حرمتگزاری آنان بر همه ما خدمتگزاران، لازم است و بایسته. در آستان قدس رضوی، تمامی خادمان به سهم مأموریتی که بر دوش دارند، در ارج نهادن به جایگاه والای زائران در تکاپو و تلاش اند. معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی آستان قدس رضوی نیز با بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های موجود، در جهت توسعه و ترویج فرهنگ و آموزه‌های اسلامی و انتقال پیام انقلاب شکوهمند اسلامی به زائران آستان جانان، انجام وظیفه می‌کند. این معاونت، راهنمایی زائران و پاسخ‌گویی به پرسش‌های آنان را عهده‌دار بوده و دغدغه‌دار آشنایی بیشتر این گرامیان با معارف شیعی است.

در سپردن این مسئولیت مقدس، سپاسمند درگاه پروردگار مهربانیم و امیدوار دست یاری حجت او. پاره‌ای از پرسش‌های مهم زائران این حریم ملکوتی را در قالب مجموعه «پرسمان رضوی»، با محور قرار دادن ابعاد رنگارنگ زندگی امام رضا (ع) پاسخ گفته‌ایم و در قالبی نو تقدیمتان می‌کنیم.

سید جلال حسینی

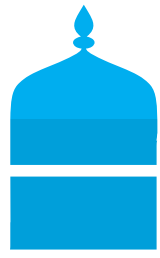
معاون تبلیغات و ارتباطات اسلامی آستان قدس رضوی



درآمد

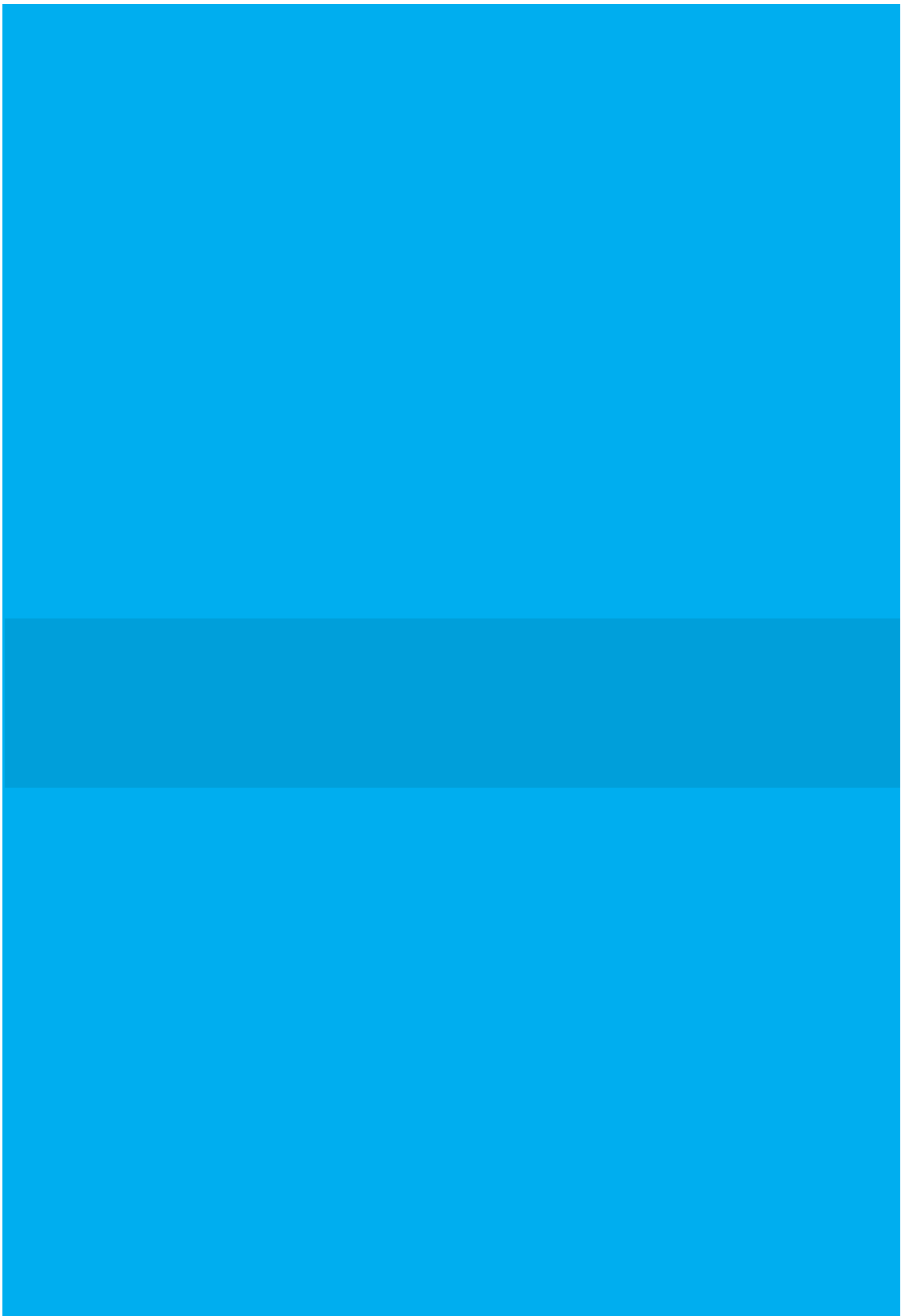
معارف اسلامی ما دربردارنده همه نیازهای انسانی است و سبک و فرهنگ زندگی زیبایی ارائه می‌دهد. این سبک در قالب مجموعه‌ای کامل بر همه مسائلی انگشت می‌گذارد که متن زندگی انسان را در دنیا شکل می‌دهد. نقش الگوهای رفتاری در ساخت زندگی حیات بخش نیز بسیار مهم است. از این رو، تکیه بر شخصیت علی بن موسی الرضا علیه السلام در پیاده کردن زندگی معیار و درست، لازم و بایسته است و این هدفی است که «سبک زندگی» با الهام از سیره و سخن امام در پیش گرفته است.

این دفتر، پرسش‌های شما را درباره شیوه نیکو زندگی کردن، با بهره‌گیری از میراث رهنمون بخش امام خوبان، علی بن موسی علیه السلام، پاسخ می‌گوید و زیستن مؤمنانه را در پرتو ارتباط با خدا و خلق ترسیم می‌کند. بدان امید که با الگوگیری از زندگی رضوی، زندگی خویش را از الگوی زیست‌تحمیلی بیگانه پاک کنیم.



فصل اول:

سبک زندگی معیار



● مفهوم سبک زندگی

سبک زندگی به چه معناست و آیا می‌توانیم نوعی سبک زندگی از سیره و سخن امام‌رضا علیه السلام بیرون بکشیم و سرلوحه خود قرار دهیم؟

سبک زندگی ناظر به مسائلی است که متن زندگی انسان را در دنیا شکل می‌دهد. به عبارتی، وقتی از چگونگی زیستن مؤمنانه سخن می‌گویید، تمام مسائلی را که آدمی در متن زندگی با آن مواجه است، باید مدنظر قرار داد و از این رو گستره سبک زندگی عرصه وسیعی از رفتار آدمی با خدا، خود، خانواده، جامعه و حتی طبیعت را در بر می‌گیرد.

سبک زندگی با مفهوم عقل معاش^۱ که همان «شیوه زیستن» است، یکسان است؛ یعنی عقلی که به انسانی می‌گوید چطور باید زندگی کرد. کارکرد این عقل در راستای چگونگی تدبیر زندگی، چاره‌اندیشی درباره معضلات و مشکلات زندگی، تلاش برای هماهنگی با قوانین شرعی و سازگاری با آن‌ها در سامان‌دهی زندگی مناسب و مطلوب قرار دارد تا انسان را به حیات مؤمنانه رهنمون کند. این نوع عقل در این احادیث همان عقل معاش است: «بهترین دلیل بر زیادتی عقل، حُسن تدبیر است.»^۲ نیز

۱. «عقل معاش امرکننده خلاق است به توالد و تناسل و هم عقل معاش الهام‌کننده نفوس خلاق است به مصالح و مضایق که در عالم امکان وقوع می‌یابد و محافظت می‌فرماید آن‌ها را از مهالک و مخاطر و شاهد بر آدمیان و عالمیان است که آنی غفلت از برای او نیست و اوست مرتبی عالم امکان و اوست خلیفه الله در ارض وجود هر ذی وجود...» سبزواری، هادی المصلین، ص ۸۱

۲. أدلّ شیء علی غزارة العقل، حُسن التدبیر. تصنیف غرر الحکم، ص ۳۵۴.

بنگرید به این سخن امام رضا علیه السلام: «مهربانی با مردم نیمی از عقل است.»^۱ سبک زندگی اسلامی و عقل معاش، توجه به اجرای اسلام با همه ابعاد آن در تمام عرصه‌های زندگی آدمی است و می‌توان در دسته‌بندی مشخص و با ملاحظه ارتباطات سه‌گانه انسان با خدا و خود و خلق، زندگی مؤمنانه‌ای ساخت و با تکیه بر متن سخن و سیره معصومان علیهم السلام شیوه زیستن را مشق کرد.

• ارتباط سیره و سبک زندگی

وقتی از سیره امام رضا علیه السلام صحبت می‌شود، منظور چیست و چه ارتباطی با سبک زندگی ممکن است داشته باشد؟

«سیره» در زبان عربی از ماده «سیر» است. سیر یعنی حرکت، رفتن، راه رفتن و «سیره» یعنی نوع راه رفتن. به عبارتی سیره بر وزن فعلة است که در این وزن، واژه بر نوع عمل دلالت می‌کند. مثلاً «جَلَسَه» یعنی نشستن و «جَلَسَه» یعنی سبک و نوع نشستن. سیر یعنی رفتن و سیره یعنی نوع و سبک رفتن.

در تبیین معنای سیره به «هیئت»، «حالت»، «روش»، «رفتار»، «راه و رسم» و «سلوک» نیز اشاره شده است^۲ و در مجموع می‌توان سیره را به معنای نوع و سبک رفتار دانست.

با توجه به شناخت مفهوم سیره، وقتی از سیره امام رضا علیه السلام یاد می‌کنیم، به واقع در پی شناخت سبک و اسلوب رفتار امام در حوزه‌های مشخص هستیم.

در سیره، پاسخ این پرسش‌ها را می‌یابیم: سبک امام در زندگی عبادی خود چگونه بود؟ سبک ایشان در معاشرت با یاران چگونه بود؟ امام با خانواده خود چگونه معاشرت داشتند؟ سبک و روش وی در رفتار با

۱. حزان، تحف العقول، ص ۴۴۴.

۲. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۱۲۱؛ محمود بن عمر زمخشری، أساس البلاغة، به تحقیق عبدالرحیم محمود، ص ۲۲۶.

دشمنان چه بود؟ روش تبلیغی امام چه بود؟ سبک رهبری و مدیریت امام در جامعه چه بود؟ و ده‌ها سبک دیگر که در سیره بدان پاسخ داده می‌شود.^۱

با توضیح فوق، ارتباط سیره با سبک زندگی نیز روشن می‌گردد: سبک زندگی به مسائلی برمی‌گردد که متن زندگی انسان را در دنیا شکل می‌دهد. بدیهی است تکیه بر سبک زندگی اسلامی متکی بر سیره و توصیه‌های معصوم خواهد بود و زندگی مؤمنان از زاویه متن زندگی امام، رفتار، روش و حتی توصیه‌های ایشان ترسیم می‌شود.

• پیروی از سیره

آیا واقعاً می‌توانیم با مطالعه سیره حضرت رضی‌الله‌عنه از آن الگو بگیریم؟

طبیعی است که امکان استفاده از سیره و منش پیشوایان معصوم علیهم‌السلام برای همگان فراهم است. پس موظفیم همچون تاسی به پیامبر صلی‌الله‌عنه، در گفتار و رفتار از امام نیز بهره بگیریم. خداوند می‌فرماید: «لقد كان لكم في رسول الله اسوة حسنة لمن كان يرجو الله واليوم الآخر»^۲.

وجود پیغمبر و اوصیای پس از او، کانونی است که ما از آن باید روش زندگی را استخراج کنیم. رفتار معصومان آن قدر عمیق است که از جزئی‌ترین کار ایشان می‌توان قوانین زندگی را استخراج کرد. یک کار و رفتار کوچک معصوم همچون چراغ، شعله و نوری است که مسافت‌های بسیار دور را به انسان نشان می‌دهد. آیت‌الله شهید مرتضی مطهری در این باره می‌نویسد: «ما ظلمی نظیر ظلمی که در مورد قرآن کرده‌ایم، در مورد سیره پیغمبر و ائمه اطهار کرده‌ایم. سیره انبیا و اولیا و مخصوصاً سیره پیغمبر اکرم و ائمه معصومین را برداشتیم، به طاق آسمان کوبیدیم، گفتیم: او که پیغمبر است. نتیجه‌اش این است که اگر یک عمر برای ما تاریخ پیغمبر بگویند، برای ما درس نیست و مثل این است که مثلاً بگویند فرشتگان در

۱. مطهری، سیره نبوی، ص ۴۷ تا ۵۲.

۲. احزاب، ۲۱.



عالم بالا چنین کردند. خب فرشتگان کردند به ما چه مربوط؛ یعنی این منبع شناخت را هم از ما گرفتند. در صورتی که اگر این جور می بود، خدا به جای پیغمبر فرشته می فرستاد. پیغمبر یعنی انسان کامل، علی یعنی انسان کامل، حسین یعنی انسان کامل، زهرا یعنی انسان کامل؛ یعنی مشخصات بشریت را دارند با کمال عالی مافوق ملکی؛ یعنی مانند یک بشر گرسنه می شوند غذا می خورند، تشنه می شوند آب می خورند، احتیاج به خواب پیدا می کنند، بچه های خودشان را دوست دارند، غریزه جنسی دارند، عاطفه دارند و لهذا می توانند مقتدا باشند. اگر این جور نبودند، امام و پیشوا نبودند.»^۱

آنچه در زندگی امام رضا علیه السلام همچون سایر معصومان علیهم السلام کاملاً آشکار است و می توان به آن به عنوان محوری در الگوگیری تکیه کرد، این است که خلق و خوی امام علیه السلام مانند سخن و دینشان جامع و همه جانبه بود. امام در همه ابعاد انسانی در حد کمال و تمام بودند.

غیاث الدین شافعی معروف به خواند میر (وفات: ۹۴۲) در وصف امام چنین می سراید:^۲

سپهر عز و جلالت محیط علم و فضیلت	امام مشرق و مغرب ملاذ آل پیمبر
و فور علم و علو مکان اوست به حدی	که شرح آن نتوان نمود کلک سخنور
قلم اگر همگی وصف ذات او بنویسد	حدیث او نشود در هزار سال مکرر

● نقش سازنده الگوها در زندگی

نقش الگوهای دینی در زندگی ما چیست؟ قرآن در این باره چه فرهنگی را ترویج می کند؟

هر انسان مؤمنی برای دستیابی به زندگی معیار، در پی یافتن الگویی پسندیده است تا خود را با او مقایسه کند و زندگی خویش را با رنگ آن بیاراید. الگوخواهی و قهرمان پرستی، ریشه در ارزش پرستی آدمی دارد.

۱. سیره نبوی، ص ۳۱ و ۴۳ و ۴۶.

۲. خواندمیر، تاریخ حبیب السیر، ج ۲، ص ۸۳.

قرآن با توجه به این نیاز، به زندگی شخصیت‌هایی همچون حضرت ابراهیم،^۱ اسماعیل،^۲ موسی،^۳ مریم،^۴ یحیی، یوسف^۵ و به خصوص پیامبر اعظم ﷺ اشاره می‌کند و همگان را به سرمشق‌گیری از زندگی آنان ترغیب می‌سازد. خداوند متعال در قرآن درباره حضرت ابراهیم ﷺ می‌فرماید: ﴿قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ﴾^۶ (برای شما سرمشق خوبی در زندگی ابراهیم وجود داشت).

در داستان یوسف و برادران او، توحید جلوه‌گر است و خدای تعالی ولی بندگان مخلص است و عهده‌دار امور آنان تا به عرش عزت، بلندشان کند و در اریکه کمال جلوسشان دهد.^۸ همچنین کسی که در برابر شهوات و نیز حسد و کینه‌ورزی مقاومت کند و بر تقوا پای فشارد و به سبب همین تقوا به بلاها و مصایب شکیبا باشد، خداوند او را پاداش نیک می‌دهد: ﴿قَالُوا أَإِنَّكَ لَأَنْتَ يُوسُفُ قَالَ أَنَا يُوسُفُ وَ هَذَا أَخِي قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾^۹ (برادران) گفتند آیا تو همان یوسف هستی؟! گفت [آری] منم یوسف! و این برادر من است. خداوند بر ما منت گذارده، هرکس تقوا پیشه کند و شکیبایی و استقامت نماید [سرانجام پیروز می‌شود؛] چراکه خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند.

همچنین قرآن در سوره یوسف به ارزش احسان به دلیل اهمیت آن در کشورداری و نیز رسیدن به سودهای دنیوی تأکید می‌کند.^{۱۰} وقتی قرآن از یحیی جوان یاد می‌کند، به سه ویژگی رفتاری او اشاره می‌کند و نسبت

۱. انبیاء، ۶۰.

۲. صافات، ۱۰۱ و ۱۰۲.

۳. قصص، ۱۴.

۴. آل عمران، ۳۷.

۵. یوسف، ۲۳ تا ۲۲.

۶. احزاب، ۲۱.

۷. ممتحنه، ۴.

۸. یوسف، ۷.

۹. یوسف، ۹۰.

۱۰. مدرسی، تفسیر هدایت، ج ۵، ص ۲۱۲.





او را با خدا و خانواده و مردم ترسیم می‌سازد: ﴿وَكَانَ تَقِيًّا. وَبِرًّا بِوَالِدَيْهِ وَ لَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا﴾^۱ (و او پرهیزکار بود. و با پدر و مادرش نیکوکار بود و [در برابر مردم] سرکش و نافرمان نبود.) علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌نویسد: جمله ﴿وَكَانَ تَقِيًّا﴾ حال او را در برابر پروردگارش بیان می‌کند و جمله ﴿وَ بَرًّا بِوَالِدَيْهِ﴾ وضع او را در قبال پدر و مادر حکایت می‌کند و جمله ﴿وَ لَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا﴾ رفتار او را با سایر مردم شرح می‌دهد.^۲

خداوند تعالی در قرآن کریم حضرت مریم علیها السلام را به خاطر عفتش می‌ستاید: ﴿وَ مَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَ صَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَ كُتِبَ عَلَيْهَا إِتْقَانُهَا وَ بِرُّهَا وَ مَنَاجِرَ اللَّيْلِ رَاكِعَةً وَ سَاجِدَةً لِلرَّبِّ غَالِيَةً وَ تَهْتَزُّ بِأَفْئُتَيْهَا وَ كَانَتْ مِنَ الْإِنْسَانِ الْمُؤْتَمَرِينَ﴾^۳ (و داستان مریم دختر عمران است که بانویی پاک بود و ما در او از روح خود دمیدیم و او کلمات پروردگار خود و کتب او را تصدیق کرد و از خاشعان بود.)

زمانی که هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله از مکه به مدینه و خوابیدن امیرمؤمنان علیه السلام به جای حضرت در لילה المبيت تبیین می‌شود، قرآن به ایثار و اخلاص این جوان نمونه اشاره می‌کند: ﴿وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ اللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ﴾^۴ (و بعضی دیگرند که جان خود را در برابر خشنودی‌های خدا می‌فروشند و خدا به بندگان رؤوف است.)

با دقت به شخصیت امیرمؤمنان علیه السلام، متوجه می‌شویم الگوگیری او از مرادش حضرت محمد صلی الله علیه و آله مثال‌زدنی و بی‌نظیر است. حضرت علی علیه السلام می‌فرمودند: «من همواره در پی او می‌رفتم؛ همچون بچه‌شتری که در پی مادر رود و او هر روز یکی از صفات پسندیده‌اش را بر من آشکار می‌کرد و مرا می‌فرمود که بدان اقتدا کنم.»^۵

همچنین «ابرار» نامیدن حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام در قرآن،

۱. مریم، ۱۳ و ۱۴.

۲. طباطبایی، المیزان، ج ۱۴، ص ۲۵.

۳. تحریم، ۱۲.

۴. بقره، ۲۰۷.

۵. و لقد كنت أتبعه اتباع الفصيل أثر أمه يرفع لي في كل يوم من أخلاقه علماً و يأمرني بالافتداء به. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲ (قاصعه).

درخور توجه است. زوج جوانی که در سه شب متوالی، افطار خود را به مسکین و یتیم و اسیر دادند: آن بندگان، نیکو به عهد و نذر خود وفا می‌کنند و از قهر خدا در روزی که شر و سختی اش همه اهل محشر را فرا گیرد، می‌ترسند و برای دوستی خدا به فقیر و اسیر و طفل یتیم طعام می‌دهند و [گویند] ما فقط برای رضای خدا به شما طعام می‌دهیم و از شما هیچ پاداش و سپاسی هم نمی‌طلبیم.^۱

با درنگ در آیات قرآن، می‌توان اذعان کرد که این کتاب الهی به الگوخواهی مؤمنان به خوبی پاسخ گفته است؛ زیرا در کنار هر مفهومی، مصداق آن را بیان می‌کند. این نکته، زیباترین رویکردی است که به نیاز جست‌وجوگری و الگوخواهی جوان پاسخ می‌گوید. به این آیه قرآن بنگرید: «نیکی [تنها] این نیست [که به هنگام نماز] صورت خود را به سوی مشرق و مغرب کنید [و تمام گفت‌وگوی شما مسئله قبله و تغییر قبله باشد و همه وقت خود را مصروف آن سازید]؛ بلکه نیکی [و نیکوکار] کسانی هستند که به خدا و روز رستاخیز و فرشتگان و کتاب آسمانی و پیامبران ایمان آورده‌اند و مال [خود] را با علاقه‌ای که به آن دارند، به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه و سائلان و بردگان انفاق می‌کنند، نماز بر پا می‌دارند و زکات می‌پردازند و به عهد خود، به هنگامی که عهد بستند، وفا می‌کنند و در برابر محرومیت‌ها و بیماری‌ها و در میدان جنگ استقامت به خرج می‌دهند. این‌ها کسانی هستند که راست می‌گویند [و گفتار و رفتار و اعتقادشان هماهنگ است] و این‌ها هستند پرهیزکاران.»^۲

جمله ﴿وَلَكِنَّ الْإِيمَانَ مِنَ اللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ﴾ تعریف ابرار و بیان حقیقت حال ایشان است که آنان را سه مرتبه تعریف می‌کند: ۱. مرتبه اعتقاد (باور): ﴿مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ﴾؛ ۲. مرتبه اعمال (رفتار): ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا﴾؛ ۳. مرتبه اخلاق: ﴿وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾.^۳

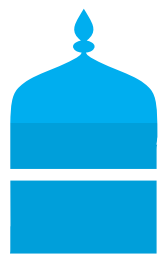
۱. انسان، ۹ تا ۷. نک: طبرسی، جوامع الجامع، ج ۴، ص ۴۱۰.

۲. بقره، ۱۷۷.

۳. المیزان، ج ۱، ص ۶۴۹.

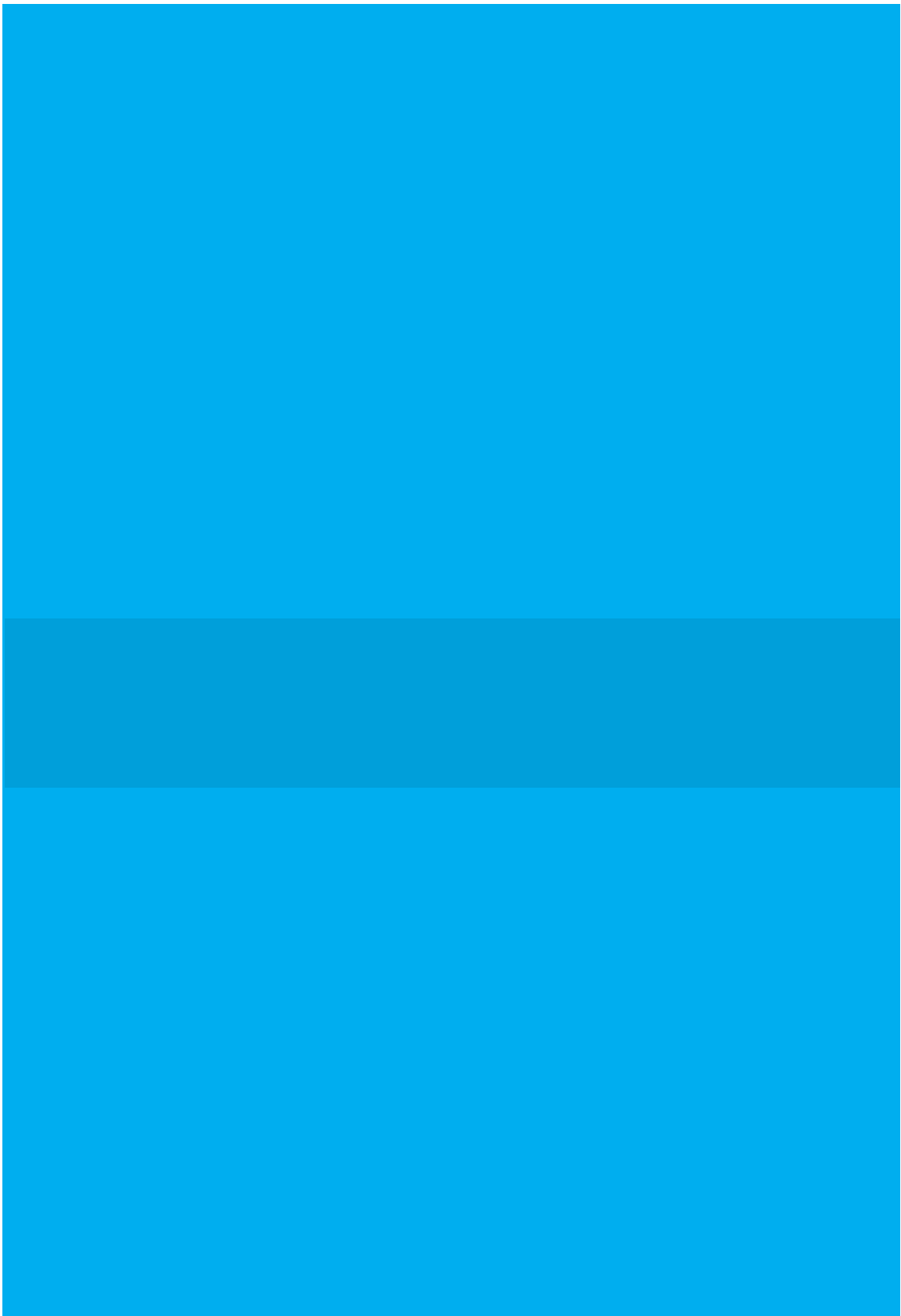
علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌نویسد: «این خود دأب قرآن در تمامی بیاناتش است که وقتی می‌خواهد مقامات معنوی را بیان کند، با شرح احوال و تعریف رجال دارنده آن مقام، بیان می‌کند و به بیان مفهوم تنها قناعت نمی‌کند.»^۱

از این رو قرآن، مؤمنان راستین را در نگاهشان به واقعیت و موضع‌گیری‌هایشان در برابر آن، متعادل و موزون می‌خواهد. همچنان که به لحاظ شخصیتی نیز ضمن ارائه «بایدها» و «نبایدها»، او را هماهنگ و دارای «باورها» و «رفتارها»ی منسجمی می‌خواهد تا بتوانند از هر فرصتی که برایشان فراهم می‌شود، بهترین بهره‌برداری را به عمل آورند و با بهره‌گیری از الگوها، به نمونه‌ای از انسان کامل برسند.



فصل دوم:

ارتباط با خدا



● پارسایی و بندگی

می‌خواستیم درباره نوع عبادت و ارتباط امام با خدا بدانم. سیره ایشان چگونه بود؟

در حالات معنوی امام رضا علیه السلام، چنین بیان شده است که ایشان کم خواب بودند و بسیار روزه می‌گرفتند و روزه داشتن سه روز در هر ماهی را هرگز ترک نمی‌کردند و می‌فرمودند: «هرکسی سه روز از هر ماه را روزه بگیرد، مثل این است که همه عمرش را روزه گرفته باشد.»^۱

آن حضرت وقتی پیراهن خود را به دعبل هدیه دادند، فرمودند: احتفظ بهذا القميص فقد صليت فيه الف ليلة كل ليلة الف ركعة و ختمت فيه القرآن الف ختمة؛^۲ (دعبل، این پیراهن را قدر بدان و خوب محافظت کن! که من در آن هزار شب و هر شبی هزار رکعت نماز خوانده‌ام و در آن هزار ختم قرآن به جای آورده‌ام.)

رجاء بن ابوضحاک که مأمون وی را برای آوردن امام رضا علیه السلام مأموریت داده بود، در بخشی از گزارش خود به مأمون می‌گوید: «من پیوسته از مدینه تا مرو با ایشان بودم. به خدا قسم، کسی را با تقواتر از او در برابر خدا ندیدم و کسی را ندیدم که بیشتر از او در تمام اوقاتش ذکر خدا گوید و ندیدم کسی را که خداترس‌تر و پارساتر از او باشد.»^۳

امام علیه السلام نام و یاد خدا را در همه حال جاری می‌ساختند و این فرهنگ را به یاران خود منتقل می‌کردند. هرگاه می‌خواستند یادداشتی برای

۱. صدوق، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۸۴.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۳۰۹.

۳. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۸۳.

نیازمندی‌هایشان بنویسند، چنین می‌نوشتند: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. إن شاء الله به‌یاد خواهیم آورد.» و سپس هرچه می‌خواستند یادداشت می‌کردند.^۱

• آداب نماز

امام رضا علیه السلام برای آداب نماز چه توصیه‌ای می‌فرمودند؟ برای الگوگیری از آن، نمونه‌هایی بیان کنید.

امام رضا علیه السلام نماز را وسیلهٔ نزدیکی هر انسان پارسا به خداوند می‌شمردند و می‌فرمودند: «الصلاة قربان کل تقی.»^۲

امام رضا علیه السلام دربارهٔ آداب نماز نیز چنین می‌فرمودند: «اگر برای نماز ایستادی، تلاش کن با حالت کسالت و خواب‌آلودگی و سستی و تنبلی نباشد. بلکه با آرامش و وقار نماز را به‌جای آور و بر تو باد که در نماز خاشع و خاضع باشی و برای خدا تواضع کنی و خشوع و خوف را بر خود هموارسازی. در آن حال که بین بیم و امید ایستاده‌ای و پیوسته با طمأنینه و نگران هستی، همانند بندهٔ گریخته و گنهکار که در محضر مولایش ایستاده، در پیشگاه خدای عالمیان بایست. پاهای خود را کنار هم بگذار و قامت را راست نگه دار و به راست و چپ توجه نکن! و چنان باش که گویی خدا را می‌بینی که اگر تو او را نمی‌بینی، او تو را می‌بیند.»^۳

• حکمت نماز

چرا نماز واجب شده است و چرا ما باید نماز بخوانیم؟

امام رضا علیه السلام در پاسخ نامه‌ای که از فلسفه و علل تشریح نماز پرسیده بود، چنین فرمودند: علت تشریح نماز این است که بنده به ربوبیت پروردگار توجه و اقرار کند و مبارزه با شرک و قیام در پیشگاه پروردگار، در نهایت فروتنی و اعتراف به گناهان و تقاضای بخشش از معاصی گذشته و نهادن

۱. تحف العقول، ص ۴۴۳.

۲. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۷.

۳. فقه الرضا علیه السلام، ص ۱۰۱.

پیشانی بر زمین، همه روزه انجام پذیرد. نیز هدف این است که انسان همواره هشیار و متذکر شود، گرد و غبار فراموش کاری بر دل او ننشیند، مست و مغرور نشود، خاشع و خاضع باشد و نیز طالب و علاقه مند افزونی در مواهب دین و دنیا شود. همین توجه او به خداوند متعال و قیام در برابر او، انسان را از معاصی باز می‌دارد و از انواع فساد جلوگیری می‌کند. امام رضا علیه السلام درباره سایر دستاوردهای نماز فرمودند: «نماز و مداومت یاد خدا در شب و روز سبب می‌شود که انسان مولا و مدبر و خالق خود را فراموش نکند و روح سرکش و طغیانگری در برابر خدا بر او غالب نیاید.»^۱

• کیفیت نماز

شیوه نماز حضرت ثامن الحجج علیه السلام جذاب و شنیدنی است. آیا روایتی درباره نوع نماز خواندن امام وجود دارد؟ لطفاً دقیق بیان کنید.

درباره نوع و کیفیت نماز خواندن حضرت رضا علیه السلام به گزارش‌های زیر اشاره می‌کنیم:

۱. راوی گوید: «ما چند ماه پشت سر آن حضرت نماز گزاردیم. در نمازهای واجب همیشه در رکعت اول، سوره حمد و «انا انزلناه» و در رکعت دوم، سوره حمد و «قل هو الله احد» را قرائت می‌کردند.»^۲
۲. معمر بن خلاد از دوره حضور امام علیه السلام در خراسان، از نماز صبح ایشان چنین یاد می‌کند: «زمانی که نماز فجر را به پایان می‌برد، تا طلوع آفتاب در مصلاهی خود می‌نشست، آنگاه دهان خویش را مسواک می‌نمود و سپس قرآن باز کرده و از روی آن تلاوت می‌نمود.»^۳
۳. رجاء بن ضحاک، مأمور همراه امام از مدینه به مرو، می‌گوید: «علی بن موسی هنگامی که نماز صبح را ادا می‌کرد، در مصلاهی خود جلوس می‌کرد و مشغول تسبیح و تهلیل و تکبیر می‌شد و بر جدش حضرت

۱. صدوق، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۱۵.

۲. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۰۶.

۳. صدوق، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۵۰۴.

رسول ﷺ درود می فرستاد، تا آنگاه که آفتاب طلوع می کرد. سپس سرش را به سجده می گذاشت و تا مقداری از آفتاب گذشته، سرش را از سجده بر نمی داشت.^۱

۴. در نمازها در قنوت این دعا را می خوانند: «رب اغفر و ارحم و تجاوز عما تعلم، انک أنت الاعز الاجل الاکرم».^۲

۵. نافله مغرب را با نماز شب و شفع و وتر و همچنین نافله صبح را در حضر و سفر ترک نمی کردند؛ اما نوافل روز را نمی خوانند.^۳

۶. هنگامی که شب فرا می رسید، قبل از افطار، نماز خود را ادا می فرمود.^۴

۷. بعد از هر نماز قصری که انجام می دادند، سی مرتبه «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر» را تکرار می کردند و می فرمودند: «تکمیل صلاة با این ذکر انجام می گیرد».^۵

۸. قبل از اینکه شروع به خواندن دعا کنند، به محمد و آل او علیهم السلام صلوات می فرستادند و در نماز و غیر آن، این عمل را زیاد تکرار می کردند.^۶

● نماز اول وقت

راز خواندن نماز اول وقت چیست و سیره امام رضا علیه السلام در این باره چگونه بود؟

در نگاه پیامبر اکرم ﷺ نماز اول وقت، محبوب ترین کار نزد خداوند است.^۷ حضرت می فرمودند: «هرگاه نماز در وقتش خوانده شود، به طرف آسمان بالا رود، درحالتی که همچو نور می درخشد و درهای آسمان برای آن نماز باز شود تا اینکه به عرش برسد. سپس برای نمازگزار شفاعت می کند و

۱. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۸۳.

۲. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۸۳.

۳. همان.

۴. همان.

۵. همان.

۶. همان.

۷. صدوق، خصال، ج ۱، ص ۷۸.

می گوید خدا حافظ تو باشد، آن گونه که در توجه و حفظ من کوشیدی.»^۱
حضرت رضا علیه السلام بر نماز اول وقت بسیار پای می فشردند و تأخیر آن را بدون عذر، روا نمی دانستند. ایشان می فرمودند: «آن لکل صلاة وقتین اول و آخر فأول الوقت رضوان الله و آخره عفو الله»^۲ (بدان که هر نمازی دو وقت دارد: اول وقت و آخر وقت. اول وقت، خشنودی پروردگار و آخر آن بخشش خداوند است.)

در سیره امام رضا علیه السلام نیز پافشاری بر نماز اول وقت آشکار بود. روزی در خراسان و به هنگام نماز، امام علیه السلام به ابراهیم بن موسی فرمودند: «اذان بگو.» او از امام رخصت خواست تا همراهان نیز فرارسند. حضرت فرمودند: «خدا تو را بیامرزد. نماز اول وقت را بدون عذر به تأخیر نینداز و اول وقت نماز را به پا دار.» بی درنگ، ابراهیم برخاست و اذان گفت و نماز اول وقت خوانده شد.^۳
این رویه، فراگیر و در هر زمان و مکان جاری بود و گفت وگوهای پرشور علمی و محافل ارشاد و وعظ نیز آن را مستثنا نمی کرد. یکی از نشست های مناظره و بحث امام رضا علیه السلام با عمران صابی در جریان بود. او از دانشمندان بزرگی بود که درباره توحید با امام رضا علیه السلام گفت وگو می کرد. در این جلسه که مأمون نیز حضور داشت، امام علیه السلام سؤال های عمران را با حوصله و متانت و بیان استدلال های روشن پاسخ می دادند و او را به سوی توحید و یگانگی خدا رهنمون می کردند. هنگامی که بحث و مناظره به اوج خود رسید، وقت نماز شد و حضرت رضا علیه السلام نگاهی به مأمون کردند و فرمودند: الصلاة قد حضرت؛ (وقت نماز فرا رسید.)

عمران صابی که به حقایقی دست یافته بود، از امام چنین درخواست کرد: «آقای من، گفت وگو و پاسخ های خویش را قطع نکن. دل من آماده پذیرش سخنان شماست.» حضرت رضا علیه السلام فرمودند: «نماز را می خوانیم و دوباره به گفت وگو ادامه می دهیم.» آنگاه امام و همراهان به اقامه نماز

۱. دیلمی، ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۹۰.

۲. فقه الرضا علیه السلام، ص ۷۱.

۳. راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۳۳۸؛ بحار الأنوار، ج ۴۹، ص ۴۹.

مشغول شدند و پس از نماز، حضرت به گفت‌وگو با عمران ادامه دادند.^۱

● سجده

چرا پیشوایان و معصومان علیهم‌السلام بر سجده کردن سفارش می‌کردند و سیره عملی آنان نیز پایبندی بر انجام دادن آن بود؟

سجده را جان بندگی و وسیله قرب به خدا دانسته‌اند. سجده فرار از همه اغیار است و اقبال کامل به پروردگار. همان‌گونه که امام صادق علیه‌السلام بیان می‌فرماید: «پروردگار معنی سجده را سبب نزدیکی و قرب به خود قرار داده است که به دل و جان و به جمیع حواس و قوا، متوجه او باشند.»^۲ امام رضا علیه‌السلام نیز نزدیک‌ترین حالت بنده به خدای را زمانی می‌دانستند که او برای خداوند سجده کند^۳ و به همین سبب است که خدا فرموده است: ﴿وَ اسْجُدْ وَ اقْتَرِبْ﴾؛^۴ (سجده کن و نزدیک شو).^۵ امام علیه‌السلام می‌فرمودند: «یکی از زیباترین ارکان نماز، سجده است که این رکن در نماز و حتی در غیر از آن، نزدیک‌ترین حالت آدمی به خداست.»^۶ سیره امام نیز انجام دادن سجده طولانی بود. حضرت رضا علیه‌السلام به سلیمان جعفری فرمودند: «باد شدیدی وزیدن گرفت و من در سجده بودم. هرکسی دنبال جایی بود که خود را از باد در امان نگه دارد؛ ولیکن من همچنان در حال سجده بودم تا باد فرو نشست.»^۷

۱. صدوق، التوحید، ص ۴۳۵.

۲. مصباح الشریعه، ص ۱۲۳.

۳. کلینی، کافی، ج ۳، ص ۲۶۴.

۴. علق، ۱۹. روایت شده است که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روزی آیه ﴿وَ اسْجُدْ وَ اقْتَرِبْ﴾ را قرائت کردند و خودشان و مؤمنانی که با آن حضرت بودند، به سجده رفتند؛ درحالی‌که قریش بالای سرشان هم سوت می‌زدند و هم کف. تفسیر جوامع الجامع، ج ۴، ص ۴۶۷.

۵. حویزی، نور الثقلین، ج ۵، ص ۶۱۱.

۶. طبرسی، مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۱۶.

۷. عیون أخبار الرضا علیه‌السلام، ج ۲، ص ۷.

• نماز جماعت

امام رضا علیه السلام درباره نماز جماعت و اهمیت و حکمت آن چه سخنی دارند؟

حضرت برتری نماز جماعت بر فردا را به ازای هر رکعت از جماعت، دو هزار رکعت از فردا می دانستند و بر اهمیت امام جماعت تأکید می کردند و می فرمودند: «وَلَا تُضَلِّ خَلْفَ قَاجِرٍ وَلَا تَقْتَدِي إِلَّا بِأَهْلِ الْوَلَايَةِ»^۱ (و پشت سر تبهکار نماز به جای آورده نشود و جز بر امامی مذهب اقتدا نشود). امام علیه السلام در پاسخ به این پرسش که «چرا نماز به جماعت قرار داده شده است؟» به حکمت نماز جماعت اشاره می کنند: «برای آنکه اخلاص و توحید (یکتاپرستی) و اسلام و عبادت پروردگار علنی و ظاهر و مشهود و آشکارا باشد؛ زیرا که در اظهارش حجت است بر اهل شرق و غرب برای خداوند عزوجل و برای اینکه منافق، [آن که به نماز اهمیت نمی دهد و آن را کوچک می شمارد] ناچار بدانچه به آن اقرار کرده، در ظاهر ادا کرده باشد و نماز اسلام را در میان جمعیت مسلمین به جای آرد و مراقب باشد تا که شهادت مسلمانان پاره ای درباره پاره دیگر ممکن باشد، با فواید دیگری که در نماز جماعت مسلم است؛ مانند رسیدگی به بینوایان و یاری درماندگان، نیکوکاری و پرهیز از معاصی و پیشگیری از وقوع بسیاری از گناهان و مناهی خداوند عزوجل که به وسیله نماز جماعت می توان زائل ساخت.»^۲

• چرایی وضو

چرا مردم باید وضو بگیرند و برای چه این شیوه خاص را برای وضو واجب کرده اند؟ فضل بن شاذان در ضمن روایاتی که از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است، گوید: اگر کسی بپرسد چرا مردم باید وضو بگیرند و برای چه این امر در اسلام واجب شده است؟ در جواب گفته می شود: برای اینکه هرگاه بنده ای می خواهد در مقابل خداوند قرار گیرد و با پروردگار مناجات کند، باید پاک و پاکیزه باشد و از چرک و کثافت، خود را تمیز کند و کسالت و سستی را از

۱. تحف العقول، ص ۴۱۷.

۲. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۰۹.



خود دور سازد و با دل پاک و آرام در برابر خداوند قرار گیرد.

اگر کسی بگوید: چرا در وضو، شستن دست، پا، سر و صورت واجب شد؟ در پاسخ او گفته می‌شود: هرگاه بنده‌ای در برابر خداوند قرار گیرد، اعضا و جوارحی که از وی ظاهر می‌شود، همان‌ها هستند که در هنگام وضو شسته شده‌اند. زیرا نمازگزار با چهره خود سجده می‌کند و خضوع و خشوع می‌نماید و با دست خود از خداوند چیزی طلب می‌کند و با سرش به رکوع و سجود می‌رود و با پاهایش برمی‌خیزد و می‌نشیند.

اگر کسی بگوید: چرا شستن فقط مخصوص دست و صورت شده و به سر و پا مسح مقرر شده است؟ و چرا نباید همه اعضا و جوارح را شست یا همه را مسح کنید؟ گفته می‌شود که این دستورها روی علل و جهاتی انجام می‌گیرد:

۱. عبادت بزرگ رکوع و سجود است و رکوع و سجود با صورت و دست انجام می‌گیرد و سر و پا در آن دخالت و ارتباطی ندارند؛ از این رو شستن آن‌ها لازم نشده است.
۲. مردم قدرت ندارند در هر وقت سر و پاهای خود را بشویند و در هنگام سفر یا سردی یا کسالت و مرض، بر آن‌ها شستن بسیار سخت می‌شود و در شب و روز انجام دادن آن مشکل است؛ ولیکن شستن صورت و دست از آن سبک‌تر است. فرائض و واجبات به اندازه استعداد ضعیف‌ترین مردم تشریح شده است و بعد همه مردم از ضعیف و قوی و سالم و مریض باید آن دستورها را به‌کار بندند و به آن عمل کنند.
۳. صورت و دست، برعکس سر و پا همیشه اوقات آشکار نیستند.

اگر کسی بگوید: چرا وضو فقط در صورت خروج بول و غائط یا خواب واجب شده و در سایر حالات این امر مقرر نشده است؟ گفته می‌شود که نجاست از انسان فقط از این دو محل خارج می‌شود و در انسان جای دیگری نیست که از آن نجاست بیرون شود. از این رو دستور داده شده است که هرگاه از انسان نجاست بیرون شد، باید وضو گرفت.^۱

۱. عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۱۰۴.

● روزه و رمضان

چرا مردم باید روزه بگیرند و چرا فقط باید در ماه رمضان روزه گرفت؟

در جواب بخش نخست سؤال، این پاسخ از امام رضا علیه السلام نقل شده است. به پنج دلیل روزه گرفتن برای مردم واجب شده است:

۱. درد گرسنگی و تشنگی را بیابند و درک کنند؛

۲. با درک درد یادشده، بر فقر و نیاز در آخرت پی ببرند؛ یعنی آن را دلیل بر احتیاجشان در آخرت قرار دهند؛

۳. بدین وسیله روزه دار خاشع و ذلیل و فروتن شده، در ضمن بر آنچه از ناحیه گرسنگی و تشنگی به وی متوجه می شود، صاحب اجر و عارف و صابر شود. در نتیجه مستحق ثواب می شود. البته فواید دیگری نیز در آن است؛ از قبیل جلوگیری از طغیان شهوات و کنترل هواها؛

۴. روزه برای روزه داران، در دنیا بر ادای تکالیف، واعظ و راضی کننده ایشان است و در آخرت دلیل و راهنماست. برای روزه دار در این دنیا، موجب عبرت و موعظه و تمرینی باشد برای آماده سازی آنان به انجام دادن تکالیف؛

۵. بدین وسیله روزه دار سختی گرسنگی و تشنگی بر اهل فقر و مسکنت را در دنیا لمس می کند و این باعث می شود آنچه حقوق مالی و طلب فقرا از اوست، بپردازد.

امام رضا علیه السلام در پاسخ به این پرسش که «چرا روزه در خصوص ماه رمضان واجب شده است، نه ماه های دیگر؟» نیز می فرماید: به دلیل امتیازاتی که این ماه از ماه های دیگر دارد که این چند نکته از جمله آن هاست:

۱. قرآن در ماه رمضان نازل شده است؛

۲. در این ماه، حق تعالی بین اهل حق و باطل تفرقه انداخته است. همان طور که خود در قرآن می فرماید: ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ، هُدًى لِّلنَّاسِ وَ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْقُرْآنِ﴾^۱ (ماه رمضان ماهی است که قرآن برای

۱. بقره، ۱۸۵.

راهنمایی مردم و نشانه‌های هدایت و فرق میان حق و باطل، در آن نازل شده است)؛

۳. لیلة القدر در این ماه است که از هزار ماه بهتر بوده و در آن هر فرمان حکیم تفریق و توزیع می‌شود و آن ابتدای سال بوده و آنچه از خیر و شر، ضرر و منفعت و نیز روزی و مرگ در آن برای انسان مقرر می‌شود. از این رو به آن لیلة القدر می‌گویند.

همچنین در جای دیگر از امام نقل است: اگر بپرسند: «چرا خلاق فقط به روزه ماه رمضان امر شده‌اند، نه به کمتر و نه به بیشتر از آن؟» در جواب باید گفت: «برای آنکه این مقدار، حدی است که از انجام آن، هم ضعیف برمی‌آید و هم قوی و جز این نیست که خداوند فریض و واجبات را به اندازه‌ای که در امکان غالب افراد باشد، تعیین فرموده؛ آنگاه ناتوانان را تخفیف داده و آن‌ها را مرخص می‌نماید و نیز توانایان را ترغیب و تحریص کرده که اگر خواستند، غیر ماه رمضان را هم با گرفتن روزه تقرب جویند. چنان‌که به کمتر از این صلاحشان بود، خداوند کمتر می‌فرمود و اگر محتاج به بیشتر از این بودند، به زیاده از این امر می‌فرمود.»^۱

• حکمت و آداب حج

چرا به انجام دادن حج تأکید می‌شود و حتی آن را واجب می‌شمارند. امام رضا علیه السلام درباره آداب این سفر چه نکاتی می‌فرمایند؟

در نگاه امام، علت حج، رسیدن به حضور خداوند متعال و طلب رحمت و مغفرت و توبه کردن از گناهان است. کسی که عازم بیت‌الله الحرام می‌شود، باید از گناهان گذشته توبه کند و در آینده گرد معاصی و ملامی نرود و همواره در طلب ثواب و عبادت باشد. افرادی که به حج می‌روند، مقداری از اموال خود را خرج می‌کنند و در سفر گرفتار رنج و مشقت می‌شوند. کسانی که به زیارت خانه خدا مشرف می‌شوند، باید گرد هوس‌ها و لذات جسمانی نروند و همواره اوقات خود را به عبادت و پرستش بگذرانند و موجبات نزدیکی

۱. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۱۶؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۷۰.

پروردگار را برای خود فراهم سازند و پیوسته باید خضوع و خشوع داشته باشند. در سرما و گرما در یاد خدا باشند و در هنگام ترس و خوف پروردگار را فراموش نکنند یا اظهار نارضایتی از سفر نکنند. با همراهان خود و سایر مردم با محبت و مهربانی رفتار کنند و ضرر و زیان به کسی نرسانند و متوجه پروردگار باشند.

یکی از مسائلی که حجاج باید آن را مراعات کنند، این است که در هنگام حج قساوت قلب نداشته باشند و با همه مردم مهربانی کنند و نیز باید خسیس نباشند و اگر مشاهده کردند که یک نفر احتیاج دارد، به او برسند و از ضعف حمایت کنند.

حجاج باید از همگان امید خود را قطع کنند و آرزوهای دور و دراز را از خود دور کنند و خود را از گرایش به فساد باز دارند و حقوق همدیگر را مراعات کنند و منافع همه را در نظر بگیرند.

حجاج باید با تجار و بازرگانان و کسبه اصناف مکه به خوبی معامله کنند و به کسی ضرر و زیان نرسانند و تا قدرت دارند، از حاجتمندان دستگیری نمایند و به مستمندان و فقرا رسیدگی کنند تا از این راه سودهای بزرگ معنوی ببرند و خدا و رسول را از خود راضی سازند.^۱

• انس با قرآن

سیره امام رضا علیه السلام در انس با قرآن چگونه بود؟ به چه نحوی می توانیم با تاسی از امام باقرآن انس بگیریم؟

امام خود بر تلاوت فراوان قرآن تأکید کرده و همگان را به خواندن قرآن ترغیب می کردند. حضرت رضا علیه السلام این کتاب الهی را چنین توصیف می کردند: «قرآن ریسمان محکم خداست و دستگیره مطمئن او و راه نمونه او که به بهشت می رساند و از آتش می رهند. با گذشت زمان کهنه نمی شود و بر زبان ها ناخوش نمی آید؛ چه برای زمان خاصی جز زمان دیگر قرار داده نشده؛ بلکه دلیل و برهان است و حجت بر هر انسان و از هیچ

۱. علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۰۴.



سوی، باطل را به آن راهی نیست و فرو فرستاده‌ای از خدای حکیم حمید است.^۱

سیره و سخن امام بر قرآن تکیه می‌کرد و همه پاسخ‌های ایشان مستند به قرآن بود.^۲ امام قرآن را سخن خدا می‌دانستند و فقط بر هدایت جستن از قرآن تأکید می‌ورزیدند^۳ و پناه‌بردن به آن را در همه حالات توصیه می‌کردند. ایشان می‌فرمودند: «هرگاه از چیزی ترسیدی، صد آیه از قرآن مجید را از هر جا که خواستی قرائت کن و سپس سه مرتبه بگو: اللهم اکشف عني البلاء.»^۴

برنامه نقل شده درباره سیره امام رضا علیه السلام، در خصوص خواندن قرآن چنین است: ۱. بعد از نماز صبح، قرآن کریم را باز کرده و از روی آن تلاوت می‌کردند؛^۵ ۲. شب هنگام که در بستر قرار می‌گرفتند، آیات قرآن را تلاوت می‌فرمودند؛^۶ ۳. هرگاه به آیه‌ای می‌رسیدند که در آن از بهشت یا دوزخ سخن رفته بود، گریه می‌کردند و از خداوند درخواست بهشت می‌فرمودند.^۷

• تلاوت روزانه قرآن

چه برنامه منظمی برای تلاوت قرآن توصیه می‌شود؟

یکی از توصیه‌های همیشگی معصومان علیهم السلام به یاران و خویشان خود، مواظبت بر تلاوت قرآن و عمل به آن است؛ به طوری که امام صادق علیه السلام توصیه می‌فرمودند: «قرآن پیمان‌نامه‌ای است از خدای متعال به سوی آفریدگان او. پس بر هر مسلمانی لازم است در این عهد الهی نظر کند و هر روز پنجاه آیه از آن بخواند.»^۸

۱. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۳۰.

۲. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۸۰ تا ۱۸۳؛ بحار الأنوار، ج ۴۹، ص ۱۰۰ و ۲۱۱.

۳. و لا تطلبوا الهدی فی غیره فضلوا (توحید، ص ۲۲۴).

۴. ابن فهد حلّی، عدة الداعی، ص ۲۹۴.

۵. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۵۰۴.

۶. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۸۳.

۷. همان.

۸. کافی، ج ۲، ص ۶۰۹.

توصیه به خواندن پنجاه آیه قرآن، یکی از نکات مهمی است که در فرمایش امام رضا علیه السلام نیز وجود دارد. ایشان می فرمایند: **يُبَغَى لِلرَّجُلِ إِذَا أَصْبَحَ أَنْ يَقْرَأَ بَعْدَ التَّعْقِيبِ خَمْسِينَ آيَةً**^۱ (سزاوار است که مردم بعد از تعقیب نماز صبح، پنجاه آیه از قرآن مجید تلاوت کنند).

در کیفیت خواندن قرآن، امام این سخن را از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کردند که فرمودند: **حَسَنُوا الْقُرْآنَ بِأَصْوَاتِكُمْ فَإِنَّ الصَّوْتِ الْحَسَنَ يَزِيدُ الْقُرْآنَ حُسْنًا وَ قُرْآنًا وَ اللَّهُ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ**^۲ (قرآن را با صداهای خود آرایش دهید؛ زیرا که صوت حسن، قرآن را نیکو کند و زینت دهد).

تأمل و درنگ در آیات قرآن نیز از نکات مهمی است که می توان از سیره امام رضا علیه السلام آموخت. رجاء بن ضحاک در گزارش سفر امام به خراسان، از حالات سحرگاهی ایشان چنین یاد می کند: امام در یک سوم پایان شب از بسترشان با ذکر تسبیح و حمد و تکبیر و تهلیل و استغفار برمی خاستند و شب ها در بستر خویش بسیار قرآن می خواندند و چون به آیه ای درباره بهشت یا دوزخ می رسیدند، می گریستند و از خدا بهشت می خواستند و از دوزخ به او پناه می بردند.^۳

● جذبۀ نماز شب

چرا به خواندن نماز شب توصیه می شود؟ این نماز در سیره عبادی امام رضا علیه السلام چه جایگاهی دارد؟

زیباترین سخنی که در پاسخ به این پرسش می توان ارائه کرد، این سخن حضرت رضا علیه السلام است: «بر شما باد به نماز شب که هیچ بنده مؤمنی در آخر شب بر نمی خیزد و هشت رکعت نماز و دو رکعت شفع و یک رکعت وتر را نمی گزارد و هفتاد مرتبه در دعای دست خود استغفار نمی کند؛ مگر اینکه خدایش او را از عذاب گورو عذاب دوزخ پناه می دهد و عمرش را می افزایش

۱. طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۱۳۸.

۲. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۶۹.

۳. بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۹۳.



و روزی اش را فراخ می‌دارد.^۱ در نگاه امام، خانه‌هایی که در آن، شب‌هنگام نماز خوانده می‌شود و نمازگزاران در نماز تلاوت قرآن می‌کنند، روشنی و نوری به آسمان و ساکنان آسمان می‌دهد، همان سان که ستارگان آسمان برای ساکنان زمین پرتوافشانی می‌کنند.^۲

امام رضا علیه السلام می‌فرمودند: از حضرت زین العابدین علیه السلام پرسیدند: «چرا شب‌زنده‌داران سپید‌چهره و نورانی هستند؟» ایشان فرمودند: لِأَنَّكُمْ خَلَوْا بِاللَّهِ فَكَسَاهُمْ اللَّهُ مِنْ نُورِهِ؛^۳ (آنان با خداوند خلوت می‌کنند و خداوند نیز آنان را با نور خویش پوشانیده است.)

شکسته جمله بتان را شب و بماند خدا که نیست در گرم اورا قرین و کفو احد

هم سفر امام از مدینه به مرو، درباره سیره عبادی حضرت چنین روایت می‌کند: هنگامی که ثلث آخر شب فرا می‌رسید، از بستر خود برمی‌خواستند، درحالی که به تکبیر و تسبیح و تهلیل مشغول بودند و استغفار می‌فرمودند. سپس مسواک می‌کردند و وضو می‌گرفتند و به نماز مشغول می‌شدند. حضرت رضا علیه السلام در این هنگام هشت رکعت نماز می‌گزاردند و در هر دو رکعت سلام می‌دادند. در دو رکعت اول سوره حمد و ﴿قل هو الله أحد﴾ را سه مرتبه قرائت می‌فرمودند. بار دیگر برمی‌خواستند و دو رکعت شفع را انجام می‌دادند. در هر دو رکعت، حمد را یک بار و ﴿قل هو الله أحد﴾ را سه بار می‌خواندند و در رکعت دوم بعد از قرائت و قبل از رکوع، قنوت می‌گرفتند. بعد از اینکه سلام می‌دادند، نماز و ترا شروع می‌کردند. در آن سوره حمد را یک بار و ﴿قل هو الله أحد﴾ را سه بار قرائت می‌فرمودند و بعد از ﴿قل هو الله أحد﴾ یک بار سوره ﴿قل أعوذ برب الفلق﴾ و ﴿قل أعوذ برب الناس﴾ را می‌خواندند و قبل از رکوع قنوت می‌گرفتند و در قنوت خود می‌گفتند: «اللهم اهدنا فیمن هدیت...». پس از اینکه از نماز فارغ می‌شدند، مشغول تعقیب می‌شدند. هنگامی که نزدیک

۱. ابن‌قتال، روضة الواعظین، ج ۲، ص ۳۲۰.

۲. همان.

۳. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۸۲.

فجر می شد، برمی خاستند و دو رکعت نافله صبح را می خواندند. به روایت او، امام نماز جعفر را نیز در میان نماز شب می خواندند.^۱

• نماز جعفر طیار

نماز جعفر چگونه است؟ دلیل اهمیت آن چیست و آیا امام رضا علیه السلام آن را می خواندند؟

در سال هفتم هجرت، زمانی که جعفر بن ابی طالب از مأموریت مهم حبشه بازگشته بود، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جعفر را در آغوش کشیدند و سجده گاهش را بوسیدند و این عطای آسمانی را به او بخشیدند؛ عطایی که به نماز جعفر طیار معروف شد. حضرت در وصف این نماز فرمودند: «نماز جعفر از دنیا و آنچه در آن است، بهتر است و باعث بخشش گناهان می شود.»^۲

امام رضا علیه السلام مقید به خواندن نماز جعفر بودند و آن را در چهار رکعت می خواندند و در هر دو رکعت سلام می دادند.^۳ نماز جعفر چهار رکعت است به دو تشهد و دو سلام. در رکعت اول بعد از سوره حمد، سوره زلزله، در رکعت دوم سوره العادیات، در رکعت سوم سوره نصر و در رکعت چهارم سوره اخلاص خوانده می شود.

امام رضا علیه السلام درباره شیوه خواندن این نماز می فرمایند: «در هر رکعت بعد از فراغ از قرائت حمد و سوره، ۱۵ مرتبه سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر را بخوانید. همین تسبیحات را نیز در این شش بخش از هر رکعت نماز ۱۰ مرتبه بخوانید: رکوع، بعد از رکوع، سجده اول، بعد از سجده، سجده دوم و بعد از سجده دوم. مجموع تسبیحات خوانده شده در هر رکعت ۷۵ مرتبه و در کل نماز ۳۰۰ مرتبه خواهد بود.»^۴

حضرت رضا علیه السلام یکی از اعمال مستحب در شب نیمه شعبان را خواندن نماز جعفر بن ابی طالب می دانستند.^۵

۱. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۸۳.

۲. کافی، ج ۳، ص ۴۶۶.

۳. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۸۳.

۴. ابن طاووس، جمال الأسبوع، ص ۲۴۷.

۵. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۹۳.

شایان ذکر است که علامه مجلسی یکی از آداب حضور در حرم امام رضا علیه السلام و سایر ائمه علیهم السلام را خواندن نماز جعفر طیار می‌داند.^۱

● اثر دعا

درباره جایگاه و اهمیت دعا، جمله‌ای از امام رضا علیه السلام بیان کنید.

در نگاه امام، دعا سلاح مؤمن و ستون دین و روشنایی آسمان و زمین است.^۲ حضرت رضا علیه السلام همواره به اصحاب خود می‌فرمودند: «لیکم سلاح الأنبياء؛ (بر شما باد به اسلحه انبیا). گفتند: «سلاح انبیا چیست؟» ایشان فرمودند: «دعا».^۳

حضرت رضا علیه السلام از حضرت رسول صلی الله علیه و آله سخنی درباره حضرت موسی علیه السلام بیان می‌کنند که نشانگر اهمیت ارتباط و انس و نجوای با خداست: موسی بن عمران علیه السلام گفتند: «بارخدا، آیا تو دور هستی که فریاد بزنم یا نزدیکی که مناجات کنم؟» خداوند فرمود: «أنا جلیس من ذکرتی؛ (من هم نشین کسانی هستم که در یاد من باشند). موسی عرض کرد: «خداوندا، من گاهی درحالی قرار دارم که بزرگی تو مرا منع می‌کند که با تو سخن گویم.» خداوند فرمود: «یا موسی اذکرتی علی کل حال؛ (ای موسی در هر حال با من سخن بگو و در یاد من باش).»^۴

● ملاک ارزش‌گذاری

در دین اسلام، ارزش‌گذاری افراد به چیست؟ شاخص و ملاک بهتر بودن را معین کنید؟

تقوا و پرهیزکاری مهم‌ترین ملاک برای ارزش‌گذاری انسان تلقی می‌شود و پیشوایان معصوم علیهم السلام بهترین فضیلت خود را برخورداری از تقوا دانسته‌اند. مردی به حضرت رضا علیه السلام عرض کرد: «در روی زمین مردی بهتر از تو از

۱. بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۱۳۷.

۲. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۷.

۳. کافی، ج ۱، ص ۴۶۸.

۴. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۲۷.

جهت پدر نیست.» حضرت رضا علیه السلام فرمودند: «تقوا بهترین فضیلت پدران من بود و اطاعت از خداوند نیکوترین حظ و بهره آنان به شمار می‌رفت.»
 فرد دیگری به امام علیه السلام گفت: «به خداوند سوگند تو بهترین مردم هستی.» حضرت رضا علیه السلام به آن مرد فرمودند: «ای مرد، به خداوند قسم نخور. بهتر از من آن کسی است که تقوایش بیشتر و فرمانبرداری اش از خداوند زیادتر باشد. قرآن می‌فرماید: ﴿وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا، إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ﴾^۱ (ما شما را دسته دسته قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. گرامی ترین شما در نزد خداوند آن کسی است که تقوایش از همه بیشتر باشد.)»^۲

● در اندیشه فردا

امام رضا علیه السلام درباره مرگ و معاد چه موعظه‌ای بیان کرده‌اند؟

امام هشتم علیه السلام فرمودند: وحشتناک ترین مواقع برای مردم سه جاست:
 ۱. یَوْمُ يُولَدُ وَ يَخْرُجُ مِنْ بَطْنِ أُمِّهِ فَيَرَى الدُّنْيَا؛ (روزی که زاییده شود و از شکم مادر درآید و دنیا را ببیند)؛
 ۲. وَ يَوْمُ يَمُوتُ فَيَرَى الآخِرَةَ وَ أَهْلِهَا؛ (روزی که بمیرد و آخرت و اهل آن را ببیند)؛
 ۳. وَ يَوْمَ يُبْعَثُ فَيَرَى أَحْكَامًا لَمْ يَرَهَا فِي دار الدُّنْيَا؛ (و روزی که برانگیخته شود و مقرراتی را ببیند که در دنیا ندیده است.)

خداوند بریحی در این سه مرحله سلام گفت و وحشت را از او برداشت و فرمود: ﴿وَ سَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَ يَوْمَ يَمُوتُ وَ يَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا﴾^۳ عیسی بن مریم علیه السلام برای خود در این سه جا سلامتی درخواست کردند و گفتند: ﴿وَ السَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَ يَوْمَ أَمُوتُ وَ يَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا﴾^۴ (سلام بر من باد، روزی که زاییده شوم و روزی که خواهم مرد و روزی که زنده برانگیخته خواهم شد.)^۵

۱. حجرات، ۱۳.

۲. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۳۶.

۳. مریم، ۱۵.

۴. مریم، ۳۳.

۵. خصال، ج ۱، ص ۱۰۷.



امام رضا علیه السلام درباره مرگ می فرمایند: به امام صادق علیه السلام گفتند: «مرگ را برای ما وصف فرما.» ایشان فرمودند: «برای مؤمن مثل خوشبوترین گل هاست که آن را می بوید و از بوی خوش آن، از حال می رود و خستگی و درد از او منقطع می شود. برای کافر مانند نیش افعی و عقرب بلکه سخت تر است.»

سؤال کردند: «بعضی می گویند که مرگ از تکه تکه شدن با اره و قیچی و کوبیده شدن با سنگ و چرخاندن سنگ آسیاها بر حدقه چشم سخت تر است. نظر شما چیست؟» حضرت فرمودند: «برای بعضی از کافران و فاجران همین طور است. آیا از این افراد، کسی را ندیده اید که این سختی ها را می کشد؟ و آن چیزی که از این هم شدیدتر است، عذاب آخرت است؛ زیرا از عذاب دنیا سخت تر و شدیدتر است.» گفتند: «پس چرا ما می بینیم جان کندن بر بعضی از کفار آسان است. درحالی که می خندد و سخن می گوید، می میرد؟ و بعضی از مؤمنان هم همین طورند؟ ولی بعضی از مؤمنان و کافران در هنگام سکر موت دچار این سختی ها می شوند؟» حضرت فرمودند: «راحتی مؤمن در آن حال، ثواب زودرس است و سختی هنگام مرگ برای او باعث پاک شدن از گناه است تا با پاکی و تمیزی به آخرت وارد شود و بدون هیچ مانعی استحقاق ثواب ابدی را داشته باشد. اما راحتی کافر در آن حال، به دلیل آن است که اجر نیکی های خود را به طور تمام و کمال در دنیا دریافت دارد و وقتی وارد آخرت می شود، جز عذاب نبیند. سختی حال کافر در موقع مرگ آغاز عذاب اوست و این به دلیل آن است که خداوند عادل است و ظلم نمی کند.»^۱

• ترک گناه

بسیاری از ما آلوده به گناهیم. چه کنیم تا با تأسی به فرهنگ رضوی از گناه دور شویم و زندگی مان نورانی شود؟

گناه و پیروی از هوای نفس بزرگ ترین آسیب و مهلک ترین بلا به شمار

۱. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۷۵.

می آید و نقش مؤثری در گریز از معنویت و گرایش به باطل دارد؛ بدان حد که فرد از درک حقیقت عاجز خواهد ماند. در واقع خنجر گناه، چشم دل را کور می کند و این کوردلی به ناپاکی جسم منتهی می شود.

امام هشتم علیه السلام سخنی از جد خویش امام صادق علیه السلام نقل می کنند که فرمودند: «گاه می شود که گناه میان بنده و بهشت به اندازه فرش تا عرش فاصله اندازد؛ ولی ممکن است بنده از بسیاری گناهان خویش و از آنچه ناروا از او سرزده است، نادم و پشیمان شود و از ترس خداوند زاری کند و اشکش از دیدگان سرازیر شود و آن قدر بگرید تا [فاصله] میان وی و بهشت نزدیک تر از پلک چشم به سیاهی داخل چشم شود.»^۱

خشم و شهوت مرد را آحول کند ز استقامت روح را مبدل کند^۲

امام رضا علیه السلام خاطره ای را از پرسش و پاسخ ابوحنیفه با امام کاظم علیه السلام درباره خاستگاه گناه نقل می کنند و می فرمایند: روزی ابوحنیفه از نزد امام صادق علیه السلام خارج شد و در راه با امام کاظم علیه السلام برخورد کرد. از آن حضرت پرسید: «ای پسر، گناه و معصیت از چه کسی صادر می شود؟» حضرت فرمودند: «از سه حالت خارج نیست: یا از خداوند سر می زند که چنین نیست و اصلاً شایسته نیست شخص کریم، بنده اش را به خاطر کاری که نکرده عذاب کند. یا از خدا و بنده هر دو با هم سر می زند و این نیز شایسته نیست که شریک قوی به شریک ضعیف ظلم کند. یا اینکه از بنده سر می زند که همین طور هم هست. اگر خدا عقابش کند، پس به خاطر گناه اوست و اگر از او درگذرد، از روی جود و کرمش خواهد بود.»^۳

امام علیه السلام بارها ضمن دعوت به ترک گناه، بر توبه و پشیمانی گناهکاران رهنمون شدند و از مغفرت الهی سخن فرمودند و حتی با اشاره به برخی زمان های مبارک، بر استفاده از آن برای پاکی و زلال ساختن روان راهنمایی

۱. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳.

۲. مثنوی معنوی، ج ۱، بیت ۳۳۳.

۳. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۳۸.



کردند. ایشان با تکیه بر سخن رسول خدا ﷺ از جمعه به عنوان فرصتی برای آموزش خواهی یاد کردند و به نقل از جد گرامی شان فرمودند: «روز جمعه سید روزهاست و خداوند در آن روز، حسنات را مضاعف کرده و گناهان را محو می کند و درجات را بالا می برد و دعاها را مستجاب می کند و اندوهها را برطرف می سازد و حاجت های بزرگ را برآورده می کند. در روز جمعه، پروردگار گروهی را آزاد می کند. هرکس روز جمعه را احترام کرده و حقش را مراعات کند، بر خداوند لازم است که او را از آتش دوزخ نجات دهد و اگر آن شخص در روز جمعه یا شب آن درگذرد، شهید مرده است و در روز قیامت در امن و آرامش خواهد بود. هرکس پاس حرمت روز جمعه را ندارد و حق او را ضایع کند، خداوند او را وارد دوزخ خواهد کرد؛ مگر اینکه توبه کند.»^۱

همچنین ابراهیم بن ابی محمود از حضرت رضا علیه السلام پرسید: «حدیثی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله رسیده که خداوند در شب های جمعه به آسمان دنیا نزول می کند. در این باره چه می فرمایید؟» امام به تحریف این حدیث که نشانگر جسمیت خداوند است، واکنش نشان دادند و فرمودند: «خداوند لعنت کند کسانی را که کلمات را تحریف و تبدیل می کنند. به خداوند سوگند پیغمبر چنین سخنانی نگفته است. حضرت رسول صلی الله علیه و آله چنین فرمودند: خداوند متعال در ثلث آخر شب ها و در شب جمعه فرشته ای به آسمان دنیا می فرستد و فریاد می زند آیا کسی هست که از خداوند چیزی بخواهد یا توبه کننده ای هست که از گناهانش بازگشت کند تا خداوند او را ببامرزد؟ ای کسی که جوایب خیر هستی، روی آور ای کسی که در طلب شرف هستی، کوتاه بیا. آن فرشته همچنان ندا می کند تا فجر طلوع می کند. پس از آن به جایگاه خود در آسمان می رود.»^۲

● صلوات

آثار و برکات صلوات چیست و تأثیر صلوات در انس و ارتباط با خدا چگونه است؟

۱. کافی، ج ۳، ص ۴۱۴.

۲. توحید، ص ۱۷۶.

در نگاه حضرت رضا علیه السلام، صلوات از جانب خداوند رحمت و از طرف فرشتگان تحیت و پاکی و از طرف مؤمنان دعاست.^۱ در احادیث نقل شده از امام، به برخی آثار صلوات اشاره شده است که توجه و درنگ در آن لازم است:

۱. هرکس قدرت ندارد کفاره گناهان خود را بدهد، باید بر محمد و آل او علیهم السلام صلوات بفرستد که صلوات گناهان را از بین می برد.^۲
۲. صلوات بر محمد و آل او علیهم السلام در نزد خداوند ثواب تکبیر و تهلیل را دارد.^۳
۳. هرکس بعد از نماز صبح و مغرب، قبل از اینکه از جای خود حرکت کند یا با کسی سخن بگوید، بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله صلوات بفرستد و بگوید: **إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا**، اللهم صل على محمد النبي و ذريته، خداوند متعال صد حاجت او را روا می کند: هفتاد حاجت در دنیا و سی حاجت در آخرت.^۴

• شکرگزاری

چرا در ارتباط انسان با خدا به شکرگزاری توجه بسیاری شده است؟

شکر نعمت و روح سپاسگزاری ویژگی مردان بزرگ خداست و از این رو زمانی که خداوند حکمت را به لقمان عطا کرد، او را به شکرگزاری این نعمت توصیه کرد.^۵ امام رضا علیه السلام بسیاری از اوقات این شعر را می خواندند: «هرگاه در خیر و نعمتی قرار گرفتی، مبادا غرور و غفلت تو را فرا گیرد؛ ولی برای شکر بگو: اللهم سلم و تمم؛ خدایا ما را در آن نعمت سالم بدار و آن را برای ما کامل گردان.»^۶

حضرت رضا علیه السلام یاران خود را نیز به شکرگزاری، به خصوص در سجده، توصیه می فرمودند. ایشان به سلیمان بن حفص مروزی نامه ای نوشتند و او را به انجام دادن سجده شکر چنین سفارش فرمودند: در سجده شکر

۱. صدوق، ثواب الاعمال، ج ۱، ص ۱۸۷.

۲. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۹۴.

۳. همان.

۴. ثواب الاعمال، ج ۱، ص ۱۸۷.

۵. لقمان، ۱۲.

۶. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۷۸.



صد بار بگو: شکرأ شکرأ و اگر خواستی بگو: عفوأ عفوأ.^۱
 که هله نعمت فزون شد شکر کو مرکب شکر ار بحسب حَزْکوا
 شکر منعم واجب آید در خرد و نه بگشاید درِ خشم ابد
 هین کرم بینید و این خود کس کند کز چنین نعمت به شکر بس کند
 سرببخشد، شکر خواهد سجده ای پا ببخشد، شکر خواهد قعده ای^۲
 حضرت رضا علیه السلام می فرمودند: سجده بعد از نماز فریضه، سپاسگزاری
 خداوند است که بنده اش را موفق به عبادت کرد. سه مرتبه باید گفت:
 شکر الله. راوی گوید گفتیم: «معنی شکرأ الله چیست؟» ایشان فرمودند:
 «یعنی شکر می کنم خداوندی را که مرا توفیق عبادت و بندگی داد و من
 توانستم فرائض او را به جای آورم. شکر موجب زیاد شدن ثواب است و اگر
 ثواب عبادت با نوافل کامل نشود، با سجده شکر کامل می شود.»
 در سپاسگزاری و شکر چند نکته نهفته است:

۱. شکر جامع جمیع فضایل است؛ از جمله اعتراف به اینکه ما خود هیچ
 نداریم و تلاش در نگه داشتن آن نعمت و مانع زوال آن شدن، به وسیله
 اقامه نماز صورت می گیرد که مظهر شکر خداست؛
۲. فایده شکر فقط به خود شاکر عاید می شود. همچنان که ضرر کفران
 هم به خود کفران کننده عاید می شود، نه به خدا.^۳ چون خدا غنی مطلق
 است و احتیاج به شکر کسی ندارد و چون حمید و محمود است، چه
 شکرش بگزارند و چه نگزارند، پس کفران هم به او ضرر نمی رساند؛^۴
۳. شکر نعمت سبب نمو نعمت می شود. شکرگزاری نفعش باز هم به
 انسان باز می گردد؛ زیرا شکر سبب افزونی نعمت است و خداوند می فرماید
 که اگر شکر کنید، بر نعمت شما خواهیم افزود.^۵

۱. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۳۲.

۲. مثنوی معنوی، ج ۳، ابیات ۲۶۷۰ تا ۲۶۷۳.

۳. ﴿و من یشکر فإنا یشکر لنفسه و من کفر فان الله غنی حمید﴾ لقمان، ۱۲.

۴. تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۲۱۵.

۵. ابراهیم، ۷.

• ذکرهای معتبر

آیا در سیره و کلام امام رضا علیه السلام به گفتن اذکار خاصی توصیه شده است؟

امتیاز این پرسش بر توجه به اذکاری است که به روایات اهل بیت علیهم السلام مستند است؛ از این رو به پاره‌ای از ذکرهایی که در سیره و سخن امام رضا علیه السلام مطرح است، اشاره کنیم:

۱. یا رثوف، یا رحیم: پدرم را در خواب دیدم. ایشان فرمودند: «ای فرزندم، هرگاه مشکلی برایت پیش آمد، بسیار بگو: یا رثوف، یا رحیم.»^۱
۲. بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ: این ذکر نزدیک‌تر است به اسم اعظم خداوند از سیاهی چشم به سپیدی آن.^۲
۳. آیه الکرسی: هرکس آیه الکرسی را صد مرتبه قرائت کند، مانند کسی است که در همه عمر خداوند را عبادت کرده باشد.^۳ هرکس بعد از هر نماز، آیه الکرسی را بخواند، هیچ گزنده‌ای او را آزار نخواهد رسانید.^۴
۴. لا اله الا الله: کلمه لا اله الا الله در نزد خداوند بسیار قرب و منزلت دارد. هرکس از روی اخلاص آن را بر زبان جاری کند، سزاوار بهشت می‌شود و هرکس به دروغ بر زبان جاری سازد، مال و جاننش در امان بوده و سرانجام به دوزخ رهسپار خواهد شد.^۵
۵. لا اله الا الله، الملك الحق المبين: هرکس در هر روزی صد مرتبه این را بگوید، خداوند به او مال و ثروت می‌دهد و فقر و فلاکت را از وی دور می‌کند و آتش جهنم را از او دور کرده و راه بهشت را برای وی باز می‌گرداند.^۶
۶. لا حول و لا قوة الا بالله: هرگاه خداوند بر کسی نعمتی داد، باید خداوند را حمد کند و هرگاه روزی اش تنگ شد، باید طلب مغفرت کند و

۱. ابن طاووس، مهج الدعوات، ص ۳۳۳.

۲. مهج الدعوات، ص ۳۱۷.

۳. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۶۵.

۴. ثواب الاعمال، ص ۱۰۱.

۵. التوحید، ص ۲۳.

۶. امالی طوسی، ص ۲۷۹.



هرگاه محزون شد، باید لا حول و لا قوة الا بالله بگوید.^۱ هرکس بگوید: لا حول و لا قوة الا بالله خداوند ۹۹ بلا را از وی دفع می کند که آسان تر آن ها خفگی و نفس تنگی است.^۲

۷. بسم الله الرحمن الرحيم، لا حول و لا قوة الا بالله العلي العظيم: هرکس هفت بار بعد از نماز مغرب و صبح پیش از تکلم این ذکر را بگوید، خداوند متعال ۷۰ نوع بلا را از وی دفع می کند که آسان ترین آن ها جذام، برص، جور سلطان و اغوای شیطان باشد.

۸. هرکس بعد از نماز صبح، صد مرتبه بگوید: بسم الله الرحمن الرحيم لا حول و لا قوة الا بالله العلي العظيم، به سوی اسم اعظم از سیاهی چشم به سفیدی آن نزدیک تر خواهد بود و به درستی که در این کلمات اسم اعظم داخل است.^۳

۹. حسین بن عبدالله بن جنبد نامه ای نشان داد و گفت: پدرم برای حضرت رضا علیه السلام نوشت: «فدایت شوم. من پیر شده ام و دیگر توانایی انجام دادن بسیاری از کارهایی را که قبلاً انجام می دادم، ندارم. مایلم مرا چیزی بیاموزی که موجب نزدیکی به پروردگار شود و فهم و علم مرا بیفزاید.» امام علیه السلام در جواب چنین مرقوم داشتند: «برایت نامه ای نوشتم. آن را بخوان و در آن درنگ و اندیشه کن. در آن نامه شفاست برای کسی که خدا بخواهد او را شفا بخشد و هدایت است برای کسی که خدا هدایت او را خواسته باشد. این ذکر را زیاد بگو: بسم الله الرحمن الرحيم لا حول و لا قوة الا بالله العلي العظيم.»^۴

۱۰. خروج از منزل: هرگاه از منزلت بیرون شدی، بگو: بسم الله آمنت بالله توکلت علی الله، ما شاء الله، لا حول و لا قوة الا بالله. اگر شیطان راه را بر او بگیرد، فرشتگان او را از آن شخص دفع می کنند و می گویند تو را بر این

۱. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۴۶.

۲. مکارم الاخلاق، ص ۳۶۰.

۳. مهج الدعوات، ص ۳۱۷.

۴. بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۳۱۳.

کس راهی نیست و او نام خدا را بر زبان جاری کرد و ایمان آورد و بر پروردگار توکل کرد و گفت: ما شاء الله لا قوة إلا بالله^۱.

۱۱. پدرم هرگاه می خواست از منزل بیرون شود، می فرمود: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ خرجت بحول الله و قوته لا بحولی و قوتی بل بحولک و قوتک یا رب متعرضا به لرزقک، فإنتی به فی عافیة^۲.

۱۲. ورود به بازار: هرکس در هنگام ورود به بازار بگوید: سبحان الله و الحمد لله، و لا اله الا الله وحده لا شریک له، له الملك و له الحمد، یحیی و یمیت و هو حی لا یموت، بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر، خداوند به عدد همه مخلوقاتش به او اجر می دهد.^۳

۱۳. در برابر سحر: از حضرت رضا علیه السلام پرسیدم: «سحر چیست؟» ایشان فرمودند: «سحر و جادوگری حقیقت دارد و ضرر و زیان می رساند. هرگاه گرفتار سحر شدی، دست خود را مقابل صورتت قرار بده و بگو: باسم الله العظیم، باسم الله العظیم، رب العرش العظیم، الا ذهب و انقرضت.»^۴

۱۴. در برابر چشم زخم: از آن حضرت پرسیدم: «چشم زخم واقعیت دارد؟» ایشان فرمودند: «آری. هرگاه تو را چشم زنند، کف دستت را مقابل صورتت قرار ده و سوره حمد و قل هو الله أحد و معوذتین را قرائت کن و هر دو کف را به صورتت بکش. خداوند تو را از گزند آن حفظ می کند.»^۵

۱۵. تسبیح حضرت زهرا علیها السلام: دو برادر نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمدند و گفتند: «یا رسول الله، در نظر داریم برای تجارت به شام برویم. دعایی به ما تعلیم فرما.» نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرگاه در منزلی فرود آمدید و نماز عشا را قرائت کردید و خواستید بخوابید، تسبیح زهرا و آیه الکرسی را بخوانید. از هر گزندی محفوظ خواهید بود.» هنگامی که آن ها از مدینه بیرون شدند،

۱. طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۲۸۲.

۲. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۶.

۳. همان.

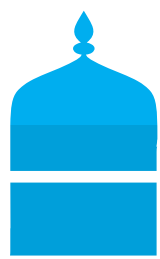
۴. مکارم الاخلاق، ص ۴۷۴.

۵. همان.



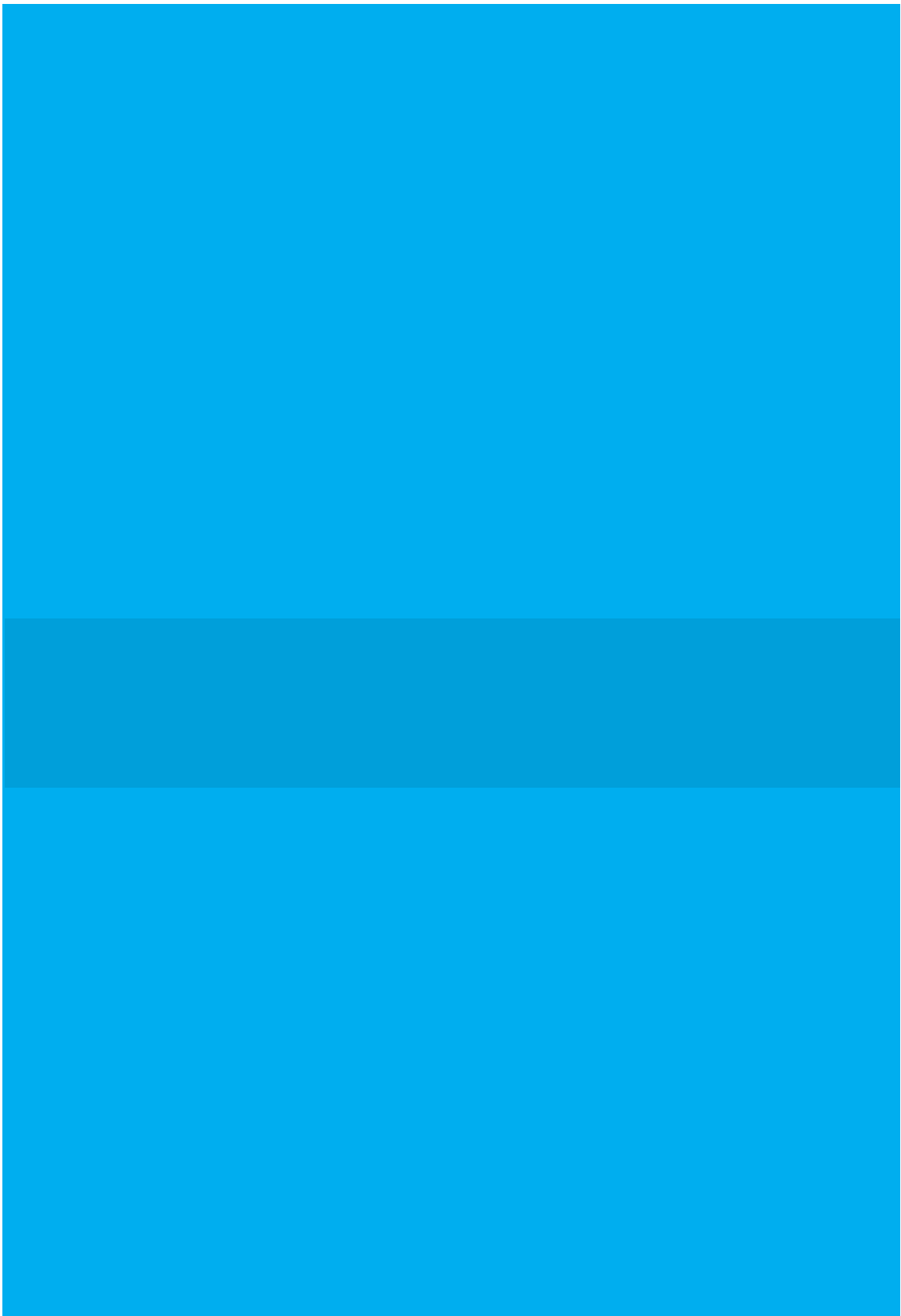
چند نفر دزد دنبال آنان روان شدند. پس از اینکه در منزلی فرود آمدند، دزدان کودکی را فرستادند تا بنگرند آن دو جوان بازرگان در چه حال هستند. کودک رفت و جریان آن دو نفر را که در کجا خوابیده‌اند، مشخص کرد و بازگشت و برای دزدان تعریف کرد. آن دو بازرگان پس از اینکه نماز خواندند، تسبیح حضرت زهرا و آیه‌الکرسی را قرائت کردند و خوابیدند. غلام بار دیگر برگشت و آمد که بازرگانان را به دزدان نشان دهد؛ ولیکن مشاهده کرد دیواری دور آن‌ها کشیده شده است. غلام بار دیگر نزد دزدان آمد و گفت: «دیواری بر آن‌ها کشیده شده است و دسترسی به آنان ممکن نیست.» دزدان گفتند: «خداوند تو را رسوا کند. از ترس دروغ می‌گویی.» دزدان از جای خود برخاستند و آمدند؛ ولی با دیواری بلند روبه‌رو شدند و کسی را در آنجا مشاهده نکردند. روز بعد در هنگام صبح، دزدان نزد آن‌ها آمدند و گفتند: «شما دیشب کجا بودید؟» گفتند: «ما همین جا بودیم و از جای خود حرکت نکرده بودیم.» دزدان گفتند: «ما آمدیم و در اینجا دیواری بلند مشاهده کردیم. اینک داستان خود را برای ما بازگو کنید.» آن دو بازرگان گفتند: «ما نزد حضرت رسول ﷺ رفتیم. آن جناب تسبیح زهرا و آیه‌الکرسی را به ما تعلیم فرمودند و ما هم طبق فرمان آن حضرت عمل کردیم.» دزدان گفتند: «شما آسوده باشید. به خداوند سوگند دیگر شما را تعقیب نمی‌کنیم و هیچ دزدی قدرت ندارد به شما دستبرد بزند.»^۱

۱. مکارم الاخلاق، ص ۲۹۲.



فصل سوم:

ارتباط با خود



● اهمیت هویت

هویت در زندگی انسان، به ویژه جوان، چه نقش و تأثیری دارد و نبود آن چه آفاتی در پی خواهد داشت؟

«هویت» احساس خودبودن را برای انسان و به خصوص برای جوانان تقویت می‌کند. هویت احساسی نسبتاً پایدار و متکی بر یگانگی خود اوست همراه با این پرسش‌ها که «من که هستم؟» و «چرا به دنیا آمده‌ام؟» و «که باید باشم؟» به عبارتی «هویت» همان تنظیم ارتباطات فرد با خود، خدا، طبیعت و جامعه است.

چه معنی دارد «اندر خود سفر کن»	که باشم من؟ مرا از من خبر کن
مرا از من خبر کن تا که من کیست	اگر کردی سؤال از من که من چیست
به لفظ من کنند از وی عبارت	چو هست مطلق آمد در اشارت
تو او را در عبارت گفته‌ای من	حقیقت کز تعین شد معین
مشبک‌های مشکات وجودیم	من و تو عارض ذات وجودیم
گه از آئینه پیدا گه ز مصباح ^۱	همه یک نوردان اشباح و ارواح

درمقابل، سرگردانی در هویت، اغلب به این صورت تجربه می‌شود که انسان نمی‌داند کیست و چه نقشی در زندگی دارد، برای چه به دنیا آمده است و به کجا خواهد رفت و چه کاره خواهد شد. اگر سرخوردگی و نداشتن اعتماد به نفس جایگزین شود، انسان به جای تماس با مردم، گوشه‌گیر می‌شود و به جای تحرک به رکود می‌گراید و به جای خودآگاهی و تشکیل

۱. شبستری، گلشن راز، ص ۳.

هویت مثبت، دچار ابهام در نقش خود می‌شود و ایدئال‌هایش به هم می‌ریزد.

سخن معروفی از امام رضا علیه السلام به یادگار مانده است که خطر بی‌هویتی را گوشزد می‌کند. ایشان می‌فرمایند: «پنج ویژگی چون در کسی نباشد، به او امیدی از دنیا و آخرت نیست: ریشه‌ای محکم در وجود خود شناسد که بدان اعتماد کند و کرمی در سرشت خود نبیند و استحکامی در خوی خویش و نجابتی در ذات خود و ترسی از پروردگار [در دل خود سراغ ندارد].»^۱

• تفکر و اندیشیدن

خرد و خردورزی در نگاه امام چه جایگاهی دارد؟

عقل نعمتی است که خداوند به بندگان عطا کرده است^۲ و این هدیه الهی رسول باطنی است که می‌توان آن را گران‌بهاترین ثروت، بهترین دوست و راهنما و اصلی‌ترین تکیه‌گاه انسان دانست. وقتی از تقسیمات عقل یاد می‌شود، ناظر به حوزه کاربرد آن است: عقل نظری در حوزه هست و نیست به قضاوت می‌نشیند و به کشف حقایق و شناخت می‌پردازد. عقل عملی در حوزه باید و نباید به قضاوت می‌پردازد و تعدیل خصلت‌های اخلاقی را برعهده دارد و به منظور تنظیم خواسته‌ها و گرایش‌ها و میل‌ها وارد عمل می‌شود.

با توجه به جایگاه روشنائی بخش عقل در زندگی، امام رضا علیه السلام می‌فرمایند: صَدِيقُ كُلِّ امْرِئٍ عَقْلُهُ وَ عَدُوُّهُ جَهْلُهُ^۳ (دوست هر مردی عقل اوست و دشمن او نادانی است).

عادت کردن به تفکر ضرورت است و از این رو، تفکر در متون اسلامی عبادت شمرده می‌شود.^۴ هر انسانی مایل است از تأثیر فکر در حل مشکلات و مسائل پیچیده‌ای که در برابرش قرار می‌گیرد، آگاه شود و از

۱. تحف العقول، ص ۴۴۶.

۲. امام رضا علیه السلام: العقل حياء من الله (کافی، ج ۱، ص ۲۴).

۳. کافی، ج ۱، ص ۱۱.

۴. کافی، ج ۲، ص ۲۵۴.

کارایی نیروی تفکر در تعیین مسیر و راهش یاری گیرد. منظور از تفکر، ارتباط دادن افکار با یکدیگر به منظور دستیابی به مفهوم کلی یا راه حل برای یک مسئله است.

یکی از بارزترین ویژگی عقل، جدا کردن و تمییز و غربال کردن است؛ برای مثال جدا کردن سخن راست از سخن دروغ، ضعیف از قوی و منطقی از غیرمنطقی است. روزی ابن سگیت از امام رضا علیه السلام سؤال کرد: «امروز حجت بر مردم چیست؟» امام علیه السلام فرمودند: «الْعَقْلُ يَعْرِفُ بِهِ الصَّادِقَ عَلَى اللَّهِ فَيُصَدِّقُهُ وَ الْكَاذِبَ عَلَى اللَّهِ فَيُكَذِّبُهُ؛ همان خرد است که به وسیله آن هر که را از سوی خدا راست گوست، باور و تصدیق می کند و هر که را دروغ گوی بر خداست، دروغ زن می شمارد و تکذیب می کند.» ابن سگیت گفت: «به خدا سوگند که پاسخ همین است.»^۱

برترین عبادت، تفکر در خدا و قدرت اوست. اندیشیدن در عالم خلقت، راهی برای شناخت خداست. امام رضا علیه السلام می فرمودند: لیس العبادة كثرة الصلاة والصوم، إنما العبادة التفکر فی أمر الله عز و جل؛^۲ (عبادت به کثرت نماز و روزه نیست؛ بلکه عبادت و پرستش فکر و اندیشیدن در کار پروردگار است.)

● نشانه های خردورزی

آیا خردورزی نشانه ای دارد که بتوان با آن شاخص، انسان خردمند را شناخت یا خود را با آن سنجید؟

حضرت رضا علیه السلام می فرمایند: «خرد مرد مسلمان کامل نیست، مگر اینکه ده خصلت در او باشد: ۱. خیر از او امید رود؛ ۲. [مردم] از شرش ایمن باشند؛ ۳. خیر اندک را از دیگر کس زیاد شمارد؛ ۴. خیر بسیار را از سوی خود اندک انگارد؛ ۵. از حاجت هایی که از او می طلبند، به ستوه نیاید؛ ۶. در طول عمرش از طلب دانش دل تنگ نشود؛ ۷. تهیدستی در راه خدا نزد او خوش تر از توانگری باشد؛ ۸. خواری در راه خدا را از عزت همراه با دشمن

۱. تحف العقول، ص ۴۵۰.

۲. کافی، ج ۲، ص ۵۲.



او دوست تر دارد؛ ۹. گمنامی برای او دل انگیزتر از نامداری باشد. « سپس امام فرمودند: «دهم و دهمی چیست؟» عرض کردند: «چیست؟» ایشان فرمودند: «بنده حقیقت ایمان را به کمال نیابد، مگر آنکه در او سه خصلت باشد: درست فهمی در دین و اندازه‌ای در زندگانی و شکیبایی بر بلاها.»^۱

• توکل

خداوند همگان را به توکل و اعتماد به خود تشویق می‌کند. توکل به چه معناست؟ سخنی از حضرت رضا (ع) در تفسیر کلام خدا بیان کنید.

انسان در زندگی باید تکیه‌گاه مطمئنی برای خود انتخاب کند و از او مدد جوید. بدیهی است که او جز خدا را برای این مهم انتخاب نمی‌کند و فقط به او توکل می‌کند و در زندگی از او یاری می‌جوید.

معنای توکل این است که انسان یقین کند به اینکه سود و زیان و بخشش و حرمان به دست مردم نیست و باید از آن‌ها ناامید بود. اگر بنده‌ای به این مرتبه از معرفت برسد که جز برای خدا کاری انجام ندهد و جز او به کسی امیدوار نباشد، از غیر او نهراسد و غیر از خدا چشم طمع به کسی نداشته باشد، به همان چیزی دست یافته است که توکل بر خدا نام دارد.

توکل بدان معنی است که انسان در محدوده قدرت و توانایی خود محاصره نشود و چشم خود را به حمایت و لطف پروردگار بدوزد. از این رو توکل باید حتماً بعد از مشورت و استفاده از همه امکاناتی که انسان در اختیار دارد، قرار گیرد. در این صورت توکل، اطمینان و نیروی فوق العاده روحی و معنوی به انسان می‌بخشد که در مواجهه با مشکلات اثر عظیمی خواهد داشت.^۲

گر توکل می‌کنی در کار کن کشت کن پس تکیه بر جبار کن^۳

مردی از حضرت رضا (ع) تفسیر این گفته خدا را پرسید که «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ»

۱. تحف العقول، ص ۴۴۶.

۲. تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۱۵۰.

۳. مثنوی معنوی، ج ۱، بیت ۹۴۷.

عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ»^۱ (هر که به خدا توکل کند، او را بس است.) امام علیه السلام فرمودند: «توکل را درجه‌هایی است: یکی اینکه در همه کارت در آنچه با تو کند، بدو اعتماد کنی و به هر چه کند، خشنود باشی و بدانی که او از خیرخواهی و رعایت حال تو کوتاهی نفرماید و بدانی که در این باره فرمان او راست. پس با واگذاری همه کارهایت به او، به وی توکل کنی. یکی دیگر اینکه به امور غیبی خدا که به دانش تو در ننگند، ایمان داشته باشی و دانش نهان را به او و آگاهی او بر آن، واگذاری و در امور غیبی و جز آن‌ها بدو اعتماد کنی.»^۲

تکیه بر حمایت الهی، مرهون کوشش و اخلاص و درستی راهی است که برگزیده‌اید. باید حضور خدا را باور داشت و بر مشیت او تسلیم شد و ضمن تلاش و جدیت، به پروردگار کارگشا تکیه کرد. حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام می‌فرمایند: ایمان چهار رکن است: التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ؛ (توکل بر خدا) و الرِّضَا بِقَضَاءِ اللَّهِ؛ (خشنودی به قضای خدا) و التَّسْلِيمُ لِأَمْرِ اللَّهِ؛ (تسلیم به فرمان خدا) وَ التَّقْوِيضُ إِلَى اللَّهِ؛ (واگذاری [همه کار] به خدا). آن بنده صالح^۳ گفت: وَ أَفْوُضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ... فَوَقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتٍ مَا مَكَرُوا؛^۴ (کارم را به خدا واگذار می‌کنم، [چراکه خداوند به احوال بندگانش بیناست] و خداوند او را از عواقب سوء نیرنگی که می‌ورزیدند، در امان داشت.)^۵ رهاورد اعتماد به خداوند، قدرت تصمیم‌گیری و شجاعت و درنهایت پیروزی و کامیابی در همه عرصه‌هاست.

● فراگیری دانش

علم و فراگیری دانش چه جایگاهی نزد حضرت رضا علیه السلام دارد؟

در نگاه وحی، «خدا آن‌هایی را که ایمان آورده‌اند و کسانی را که دانش

۱. طلاق، ۳.

۲. تحف العقول، ص ۴۴۳.

۳. مؤمن آل فرعون.

۴. غافر، ۴۵.

۵. تحف العقول، ص ۴۴۵.

یافته‌اند، به درجاتی برافرازد؛^۱ آن‌گونه که اگر مؤمنان دو طایفه تصور شوند، آن‌هایی که تنها مؤمن‌اند و دسته‌ای که هم مؤمن‌اند و هم عالم، طایفه دوم بر طایفه اول برتری خواهند داشت.^۲

در نگاه امام رضا علیه السلام یکی از راه‌های کامل شدن خرد مسلمان بر خورداری از این خصلت است: «در طول عمرش از طلب دانش دل‌تنگ نشود.»^۳ امام بر این نکته، تأکید می‌فرمودند: «کسی که علم ندارد، نباید از یادگیری شرم کند.»^۴

حضرت رضا علیه السلام می‌فرماید: الْعِلْمُ خَزَائِنٌ وَمَقَاتِيحُهُ السُّؤَالُ، فَاسْأَلُوا يَرْحَمَكُمُ اللَّهُ، فَإِنَّهُ يُؤَجِّرُ فِيهِ أَرْبَعَةَ السَّائِلِ وَالْمُعَلِّمِ وَالْمُسْتَمِعِ وَالْمُجِيبِ لَهُ؛^۵ (علم خزینه‌ها باشد و کلید این خزائن سؤال است. پس سؤال کنید، خداوند بر شما ترحم می‌کند؛ چه در سؤال کردن چهار طایفه به پاداش نیکو رسند: سؤال‌کننده و تعلیم‌دهنده و شنونده و دوستدار این‌ها.)

● فهم دین

رابطه ما با دین باید چگونه باشد و در مکتب رضوی چه توصیه‌ای در این باره ترسیم شده است؟

دین مجموعه‌ای از عقاید و اخلاق و احکام است که خداوند برای هدایت انسان‌ها از طریق پیامبر ارائه کرده است. دین روش زندگی آدمی است که میان زندگی اجتماعی و پرستش خدای متعال پیوند می‌دهد و در همه اعمال فردی و اجتماعی برای انسان مسئولیت‌خدایی ایجاد می‌کند. این مجموعه سبب خوشبختی انسان در این جهان و سعادت و زندگی جاوید در جهان دیگر می‌شود.

۱. ﴿رَفَعَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ﴾. مجادله، ۱۱.

۲. همچنان که در جای دیگر فرموده است: ﴿هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَغْلُمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَغْلُمُونَ﴾؛ (آیا آنان که می‌دانند، با آنان که نمی‌دانند، برابرند؟) زمر، ۱۰.

۳. تحف العقول، ص ۴۴۶.

۴. لا يستحي أحدهم إذا لم يعلم أن يتعلم. عيون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۴۴.

۵. عيون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۸.

وقتی از رابطه خود با دین یاد می‌شود، روآوری و فراگیری دین و اندیشه و تفکر در معارف آن، توصیه می‌شود؛ به گونه‌ای که «برترین خیر و نیکی خدا بر بندگان آن است که او را در فهم دین دانا کند.»^۱
امام رضا علیه السلام یکی از نشانه‌های دستیابی به حقیقت ایمان را درست فهمی در دین می‌شمارند.^۲

• شکیبایی

در برابر مشکلات و سختی‌ها چه کنیم؟ در متون دینی ما از امام رضا علیه السلام چه توصیه‌ای بیان شده است؟

سختی‌ها و رنج‌های زندگی، بخش پایان‌ناپذیر و استثناپذیر و تعمیم‌پذیر زندگی هر آدمی است. از این رو با تغییر رابطه خود با مشکلات، دردها و رنج‌ها تحمل‌پذیر می‌شود و حتی ممکن است، به نوعی، با رضایت باطنی همراه شود.

امام رضا علیه السلام شکیبایی در سختی را نشان مؤمن می‌شمارند. حضرت می‌فرمایند: «مؤمن مؤمن نیست، مگر آنکه در او سه خصلت باشد: سنتی از پروردگارش و سنتی از پیامبرش و سنتی از امامش. سنت از پروردگارش رازپوشی و سنت از پیامبرش سازگاری با مردم است. وَ اَمَّا السُّنَّةُ مِنْ وَلِيِّهِ فَالصَّبْرُ فِي الْبُأْسَاءِ وَ الصَّرَاءِ؛ (اما سنت از امامش شکیبایی در سختی و تنگ‌دستی است.)»^۳

حضرت در فرمایشی دیگری از نشانه‌های دستیابی به حقیقت ایمان را الصَّبْرُ عَلَى الرَّزَايَا برمی‌شمارند؛ یعنی شکیبایی بر بلاها.^۴
رنج و مشقت از هر سو و در تمامی شئون حیات، بر انسان احاطه دارد. این معنا بر هیچ خردمندی پوشیده نیست که انسان در پی به دست آوردن هیچ نعمتی بر نمی‌آید، مگر آنکه خالص آن را می‌خواهد، خالص از هر

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا فَفَقَّهُهُ فِي الدِّينِ. امالی مفید، ص ۱۵۸.

۲. تحف العقول، ص ۴۴۶.

۳. تحف العقول، ص ۴۴۲.

۴. تحف العقول، ص ۴۴۶.

نقمت و در دسر و خالص در خوبی و پاکیزگی؛ ولی هیچ نعمتی را به دست نمی‌آورد، مگر آمیخته با ناملایماتی که عیش او را ناقص می‌دارد و نعمتی مقرون با جرعه‌های اندوه و رنج، علاوه بر مصائب روزگار که حوادث ناگواری که چون شرنگی گُشنده کام جانش را تلخ می‌کند.^۱

● مشورت

چرا در اسلام بر مشورت و دوری از تک‌روی تأکید می‌شود؟ آیا مشورت در سیره امام رضا علیه السلام هم جایگاهی داشته است؟

در دین مبین اسلام، در تصمیم‌گیری بر مشورت تأکید می‌شود و استفاده از تجربه دیگران، فرصتی ارزشمند تلقی می‌شود. پیامبر صلی الله علیه و آله خود با اینکه عقل کل بودند و با مبدأ وحی ارتباط داشتند، در مسائل مختلف اجتماعی و اجرایی، در جنگ و صلح و امور مهم دیگر، به مشورت با یاران می‌نشستند. حتی گاه نظر آن‌ها را ترجیح می‌دادند، با اینکه مشکلاتی از این ناحیه حاصل می‌شد، تا الگویی برای مردم باشد؛ چراکه برکات مشورت از زیان‌های احتمالی آن به مراتب بیشتر است.^۲

حضرت رضا علیه السلام فرمودند: عقل پدرم با عقول همه مردم سنجیدنی نبود. با این حال گاهی با غلامان خود مشورت می‌کرد. به وی می‌گفتند که آیا با چنین فردی مشورت می‌کنی؟ می‌فرمود: «چه بسا که خداوند زبان او را به مصلحت می‌گشاید.» چه بسیار که آنان چیزهایی به حضرت تذکر می‌دادند و حضرت آن‌ها را در کشت و زرع خود به کار می‌بست.^۳

معمربن خلاد می‌گوید: غلامی از حضرت رضا علیه السلام به نام سعد از دنیا رفت. حضرت فرمودند: «مردی صاحب فضل و امانت به من نشان ده تا او را به جای سعد برگزینم.» [با شگفتی] عرضه داشتم: «من به شما نشان دهم؟!» امام علیه السلام مانند اشخاص غضبناک فرمودند: «رسول خدا صلی الله علیه و آله

۱. المیزان، ج ۲۰، ص ۴۸۸.

۲. تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۴۶۳.

۳. بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۱۰۱.

با اصحاب خود مشورت می‌کرد. سپس آنچه اراده‌اش تعلق می‌گرفت، بر اجرای آن جدّیت می‌ورزید.^۱

• ارزیابی و حسابگری

در اسلام بر حسابگری خود بسیار تأکید شده است. راز توجه به این ارزیابی خویشتن چیست؟

پیشوایان دین ما همگان را بر ارزیابی خود راهنمایی می‌کردند و تأکید داشتند که خویشتن را محک بزنید، پیش از آنکه شما را ارزیابی و محاسبه کنند.^۲

امام ضامن^۳ بهترین عقل را آن می‌دانند که آدمی، نفس خود را با آن بشناسد.^۳ این سخن امام، راز و آثار ارزیابی و حسابگری خویشتن را تبیین می‌کند: «هرکس با خود حسابش را رسیدگی کند، سود می‌برد و هرکس از حساب خود غفلت کند، زیان می‌بیند و هرکس نفس خویشتن را از عواقب کارها بترساند، در آسایش خواهد بود و هرکس از کارها عبرت بگیرد، در کارها بینا می‌شود و هرکس بینا باشد، عواقب کارها را در می‌یابد و هرکس فهمش زیاد شد، عالم می‌شود.»^۴

بی‌شک در پرتو ارزیابی خویشتن و دست‌یافتن به زوایای پنهان شخصیت، انسان به خود احساس اطمینان بیشتری می‌کند؛ زیرا اگر ضعفی وجود داشته باشد، به آن توجه خواهد کرد و در ازبین بردن آن می‌کوشد.

• دوری از رذایل

درقبال شخصیت خودمان، از چه ویژگی‌های ناپسندی باید دور باشیم؟

هر مؤمنی در کنار آراسته بودن به فضیلت‌های اخلاقی، باید از رذایل

۱. همان.

۲. نک: ابن طاووس، محاسبه النفس، ص ۱۳.

۳. أفضل العقل معرفة الإنسان نفسه (رضی‌الدین حلی، العدد القویة، ص ۲۹۲).

۴. همان.

و زشتی‌های اخلاقی دور باشد. در حدیثی از حضرت رضا علیه السلام، خودبینی و خودپسندی، تباه‌کننده عمل شمرده شده است. احمد بن نجم از امام رضا علیه السلام درباره خودبینی که عمل را تباه می‌کند، سؤال کرد. امام فرمودند: «خودبینی درجاتی دارد: یکی آنکه بدکرداری بنده را در نظرش می‌آراید؛ چنان‌که آن را نیک می‌انگارد و از آن خوشش می‌آید و می‌پندارد که کار خوبی کرده است. دیگر آنکه بنده به پروردگارش ایمان آرد؛ [ولی] بر خدا منت نهد، با آنکه در این باره خدا را بر او منت باشد.»^۱

از سویی امام رضا علیه السلام به نشانه‌های چهارچهره منفی اشاره می‌کنند که با درنگ در توصیف ویژگی آنان، می‌توان از خصلت‌های زشت اخلاقی آنان دور بود. امام می‌فرمایند: لَيْسَ لِبَخِيلٍ رَاحَةً؛ (بخیل را آسایش نیست). وَ لَا لِحَسُودٍ لَذَّةٌ؛ (و حسود را لذت نیست) وَ لَا لِمَلُولٍ وَفَاءٌ؛ (و پادشاهان را وفا نیست) وَ لَا لِكَذُوبٍ مُرْوَةٌ؛^۲ (و دروغ‌زن را مروّت نیست).

• تلخی‌ها و خوشی‌های زندگی

برای هر فردی در زندگی فرازونشیب‌هایی وجود دارد. با الهام از امام رضا علیه السلام با تلخی و خوشی زندگی چگونه کنار آییم؟

برای پاسخ به این پرسش، ماجرای زیر را به نقل از احمد بن عمر و حسین بن یزید تعریف می‌کنیم:

خدمت [امام] رضا علیه السلام در آمدیم و عرض کردیم: «ما در فراخی روزی و خوشکامی زندگی بودیم؛ ولی اینک حال ما اندکی دگرگون گشته. از خداوند بخواه که آن وضع [خوش] پیشین را به ما باز آرانی فرماید.» امام فرمود: «آیا می‌خواهید پادشاهانی باشید؟ آیا خوش دارید که مانند طاهر و هرثمه باشید؟ و برخلاف این مذهبی که دارید، باشید؟» گفتیم: «نه به خدا، شاد نیستیم که تمامی دنیا و آنچه زرو سیم در آن است، از آن ما باشد و ما برخلاف مذهبی که داریم، باشیم.» امام فرمود: «به راستی، خداوند می‌فرماید: اَعْمَلُوا

۱. تحف العقول، ص ۴۴۴.

۲. تحف العقول، ص ۴۵۰.

آل دَاوُدُ شُكْرًا وَ قَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ؛^۱ (ای خاندان داوود، سپاس ورزید و از بندگان من اندکی سپاسگزار هستند.) به خداوند خوش گمان باشید؛ زیرا هر که به خدا خوش گمان است، خدا با همان گمانی که به خدا دارد، با اوست و هر که به اندکی از روزی خرسند است، اندک کرداری از او پذیرفته شود و هر که به حلالی اندک خرسند است، بارش سبک است و خاندانش در نعمت‌اند و خداوندش به درد دنیا و هم به درمان آن بینا سازد و او را به سلامت از دنیا به خانه ایمنی [بیهشت] درآورد.^۲

بدیهی است تصحیح نگرش ما به زندگی و دنیا، آرامش و اطمینان خاصی را برایمان به ارمغان خواهد آورد؛ امام رضا علیه السلام می‌فرمودند: مَنْ أَصْبَحَ مُعَافًى فِي بَدَنِهِ مُخَلًّا فِي سَرْبِهِ عِنْدَهُ قُوَّةٌ يَوْمَهُ فَكَأَنَّمَا حَبِثَ لَهُ الدُّنْيَا؛^۳ (کسی که شب را به حالی صبح کند که بدنش سالم و خاطرش آسوده و قوت روز خود را در اختیار داشته باشد، چنان است که گویی همگی [خوشی] دنیا را برای او گرد آورده‌اند.)

• کار و تلاش

دیدگاه امام رضا علیه السلام درباره ارزش کار و آداب کارکردن چیست؟

اسلام تمامی مسلمانان را به کار تشویق می‌کند و به بی‌تحرکی و سستی و تنبلی هشدار می‌دهد. امام رضا علیه السلام کار برای اقتصاد خانواده را ارزشی جهادگونه معرفی می‌کنند: «کسی که برای زندگی زن و فرزند خود مشغول کسب و کار است، ثوابش از مجاهدان راه خدا بزرگ‌تر است.»^۴

دیدگاه ایشان درباره فضیلت کسب و کار این‌گونه بود: «آن‌کس که کار بیشتری می‌کند تا درآمدش برای خود و کسانش بسنده باشد، در نزد خدا پاداشی بزرگ‌تر از پاداش مجاهد فی سبیل الله دارد.»^۵

۱. سباء، ۱۳.

۲. تحف العقول، ص ۴۴۸.

۳. کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۲۰.

۴. بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۳۸.

۵. مثنوی معنوی، دفتر ۱، بیت ۱۸۲۹.



دوست دارد یار این آشفستگی کوشش بیهوده، به از خفتگی
 آن که او شاه است او بیکار نیست ناله از وی طرفه کو بیمار نیست
 بهر این فرمود رحمان ای پسر کلُّ یومٍ هو فی شأنِ ای پسر
 اندرین ره می تراش و می خراش تا دم آخر دمی فارغ مباش^۲

امام، بهترین ثروت را سرمایه‌ای می‌دانند که آبرو و حیثیت با آن محفوظ باشد. ایشان به یاران خود این‌گونه راهنمایی می‌کردند که از خداوند درخواست روزی فراخ و پاکیزه کنند: *اللهم انی أسألك رزقاً واسعاً طیباً من رزقک*.^۲ درباره آداب کار و بازار، نکات زیر از فرمایش‌های حضرت رضا (ع) است:

۱. اصول معامله: «هرکس بفروشد یا بخرد، باید از پنج چیز خودداری کند؛ وگرنه، نه بفروشد و نه بخرد: ربا خوردن، سوگند یاد کردن، عیب کالا را پوشیده داشتن، ستودن کالا به هنگام فروش، بدگویی از کالا به هنگام خرید».^۳

۲. تقدم نماز بر معامله: «چون مشغول کسب باشی و وقت نماز برسد، نباید کار تجارت، تو را از نماز باز دارد که خداوند قومی را توصیف کرده و چنین به ستایش آنان پرداخته است: *«رِجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَ لَا بَيْعٌ عَنْ ذِکْرِ اللَّهِ»*؛^۴ (مردانی که تجارت و خرید و فروش آنان را از یاد خدا باز نمی‌دارد.) آنان مردمی بودند که کسب می‌کردند و چون وقت نماز می‌رسید، کسب خود را رها می‌کردند و به نماز می‌ایستادند. اجر ایشان بیشتر از اجر کسی خواهد بود که مشغول کسب و کاری نیست و در وقت نماز به نماز می‌ایستد.»^۵

۳. دوری از ربا: «علت حرام شدن ربای قرضی این است که با رباخوری، انجام دادن کار نیک از میان می‌رود و مال‌ها تلف می‌شود و مال‌داران به ربح‌گرفتن روی می‌آورند و وام‌دادن و پرداختن چیزهای واجب و

۱. أفضل المال ما وق به العرض. رضی‌الدین حلّی، العدد القویة، ص ۲۹۲.

۲. کافی، ج ۵، ص ۸۹.

۳. فقه الرضا (ع)، ص ۲۵۰.

۴. نور، ۳۷.

۵. فقه الرضا (ع)، ص ۲۵۰.

انجام دادن کارهای نیک را فراموش می‌کنند. در همه این‌ها تباهی است و ستم [بر قرض‌گیرندگان] و نابودی اموال [مردم].^۱

• مصرف معتدل

در اداره زندگی و شیوه هزینه کردن چگونه عمل کنیم؟ آیا خرج کردن زیاد برای خانه و خانواده اسراف است؟

استواری زندگی بر قناعت امری پسندیده است. این سخن امام رضا علیه السلام را همواره به یاد داشته باشیم که «هرکس از خداوند به روزی اندک قناعت کند، پروردگار به عمل قلیل او راضی می‌شود.»^۲ در فرهنگ رضوی، شایسته است که فرد در اداره زندگی ضمن پرهیز از اسراف و تنگ‌گیری، اعتدال را در مدیریت خانه و خانواده رعایت کند.

شخصی به نام عباسی می‌گوید: از امام رضا علیه السلام برای خرج خانواده اجازه خواستم. فرمودند: «بین المکروهین؛ میان دو حد ناپسند باشد.» گفتم: «فدایت شوم. سوگند به خدا، نمی‌دانم دو حد ناپسند کدام است.» فرمودند: «فدایت بیامرزاد. آیا نمی‌دانی که خدای بزرگ اسراف و اقتار (تنگ‌گیری در خرج و مصرف) هر دو را مکروه و ناپسند خوانده است؟» آنگاه امام این آیه را خواندند: ﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا، وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا﴾^۳ [بندگان خدای رحمان] کسانی‌اند که وقتی خرج کنند، نه اسراف کنند، نه تنگ‌چشمی نشان دهند و میان این [دو حالت]، حد قوام (معتدل) خواهد بود.^۴

• آراستگی

آیا امام علیه السلام به آراسته بودن خود اهتمام داشتند؟ به طور مثال، به سر و روی خود می‌رسیدند یا از عطر استفاده می‌کردند؟ توصیه امام در این باره چه بود؟

۱. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۲۱.

۲. بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۴۹.

۳. فرقان، ۶۷.

۴. صدوق، الخصال، ص ۵۵.

حضرت رضا علیه السلام ساده زیستی را با آراستگی جمع کرده بودند و به کاربردن بوی خوش و اصلاح مو را از اخلاق پیامبران می شمردند.^۱ امام محاسن خود را با خضاب سیاه می کردند^۲ و موهای سر و صورت خود را شانه می زدند.^۳ ایشان مقید به استفاده از عطر بودند. روایت شده است که امام از عود هندی و چینی بخور کرده و مشک و گلاب استعمال می کردند.^۴ در روایتی، به سیره جدشان اشاره می کنند و می فرمایند: «حضرت زین العابدین علیه السلام مشکدانی داشت از قلع که در آن مشک نهاده بود و وقت لباس پوشیدن و بیرون رفتن از آن مشک به خود می مالید.»^۵

امام همگان را به عطرزدن سفارش می کردند: «بر هیچ کس روا نیست که از به کار بردن عطر در هر روز خودداری کند و اگر قدرت نداشت، یک روز در میان خود را خوش بو کند و اگر باز هم نتوانست، در روز جمعه حتماً بوی خوش استعمال نماید.»^۶

● بهداشت و نظافت

اسلام بر رعایت پاکیزگی و بهداشت بسیار تأکید می کند. سخنی از امام رضا علیه السلام در این باره بیان کنید؟

اسلام نظافت را از ایمان می شمارد و بیشترین و جامع ترین آداب بهداشت و نظافت را ارائه داده است. انبیا و اولیای الهی پیشگام پاکیزگی بوده اند؛ آن گونه که در حدیث چنین بیان شده است: من اخلاق الانبیاء التتظف؛^۷ (پاکیزگی از اخلاق پیامبران است). با دقت در این حدیث، برخی گونه های نظافت بیان شده است.

۱. تحف العقول، ص ۴۴۳.

۲. بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۰۰.

۳. بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۱۵.

۴. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۷۹.

۵. مکارم الاخلاق، ص ۴۲.

۶. خصال، ج ۲، ص ۳۹۲.

۷. تحف العقول، ص ۴۴۲.

امام رضا علیه السلام می فرمایند: «ناخن‌ها را روز سه‌شنبه بگیرید، روز چهارشنبه استحمام کنید، نیاز به حجامت را روز پنج‌شنبه برآورید و روز جمعه با بهترین عطرها خود را خوش بو سازید.»^۱

یاسر خادم گوید: امام رضا با کفش راحتی به دستشویی وارد می‌شدند.^۲ راوی می‌گوید: «هرگز امام رضا علیه السلام را ندیدم که در معابر عمومی آب دهان خود را بیندازد.»^۳ دربارهٔ بهداشت عمومی این چند نکته از امام بیان شده است: «هرکس با آب غساله (آب استفاده‌شده) خود را بشوید و به بیماری جذام گرفتار شود، جز خود را سرزنش نکند.»^۴ این حدیث ممکن است به نوعی بر پرهیز از سرایت بیماری‌های مُسری حکایت دارد.

امام بر بهداشت دهان و دندان تأکید داشتند تا دندان‌ها پاک بماند و بوی دهان خوش گردد و لثه سخت و زورمند بماند و حتی بر سفیدی آن سفارش می‌کرد.^۵

• تفریح

شادزیستن و استفاده از تفریحات در زندگی، در نگاه امام رضا علیه السلام چه جایگاهی دارد؟

هر انسانی به تفریح و نشاط و شادمانی نیاز دارد و در پرتو آن، زندگی برای آدمی مفرح و لذت‌بخش خواهد بود. امام رضا علیه السلام به جایگاه تفریح در نشاط‌بخشی زندگی اشاره می‌کنند: «از لذایذ دنیوی نصیبی برای کامیابی خویش قرار دهید و تمّیّات دل را از راه‌های مشروع برآورید. تفریح و سرگرمی‌های لذت‌بخش، شما را در ادارهٔ زندگی یاری می‌کند و با کمک آن، بهتر به امور دنیای خویش موفق خواهید شد.»^۶

در فرهنگ دینی، بخش‌هایی از زندگی به امور عبادی و اجتماعی و

۱. عیون أخبار الرضا علیه السلام ج ۱، ص ۲۷۹.

۲. مکرم الاخلاق، ص ۱۲۱.

۳. لا رابته نقل (عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۸۴).

۴. کافی، ج ۶، ص ۵۰۳.

۵. بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۳۰۸.

۶. فقه الرضا علیه السلام، ص ۳۳۷.



بخشی نیز به استفاده از لذت‌های مشروع و حلال اختصاص یافته است و آن‌گونه که امام فرمودند، این نشاط و سرور برخاسته از این لذت‌ها، کمکی برای سایر برنامه‌هاست؛ زیرا بدن و روانِ خسته را ترمیم می‌کند و نیرو و تلاش او را مضاعف می‌سازد.

امام رضا علیه السلام ضمن تقسیم چهارگانه برنامه‌های انسان، از جایگاه مؤثر تفریح و شادابی یاد می‌فرماید: «کوشش کنید اوقات شما چهار بخش باشد: ۱. ساعة لله لمناجاته؛ ساعتی برای مناجات با خدا؛ ۲. و ساعة لأمر المعاش؛ و ساعتی برای کار زندگانی؛ ۳. و ساعة لمعاشره الاخوان الثقات و الذين يعزفونكم عيوبكم و يخلصون لكم في الباطن؛ و ساعتی برای معاشرت با برادران و معتمدان که عیب‌های شما را به شما بفهمانند و در درون با شما پاکدل باشند؛ ۴. و ساعة تخلون فيها للذاتكم و هذه الساعة تقدرتون على الثلاث الساعات؛ و ساعتی هم که در آن برای لذت‌های غیرحرام خلوت کنید و بدین ساعت برای انجام دادن امور آن سه ساعت دیگر توانایی یابید.^۱

امام رضا علیه السلام به آسیب تفریح و شادابی نیز اشاره می‌کنند و این‌گونه هشدار می‌دهند: «مراقبت کنید که در این کار [و بهره‌گیری از تفریح]، به مردانگی و شرافتتان آسیب نرسد و دچار اسراف و تندروی نشوید.» در پرتو این سخن، انسان دین‌دار تلاش می‌کند که وابستگی خود را به مظاهر دنیا کم کند و خود را از غرق شدن در مسائل زودگذر دور سازد؛ زیرا می‌داند که هرچه وابستگی‌اش به لذت‌های گذرا بیشتر شود، باید افسردگی و غم بیشتری پذیرا باشد. شادی گذرا به سبب هیجانات موقت و عواملی همچون مواد مخدر، مشروبات الکلی، بازی‌های قمار و فعالیت‌های زیان‌بار پدید آمده است. این شادی به بهداشت روان آسیب می‌زند و خرد آدمی را آلوده می‌کند. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «همانا خدا شراب را از آن‌رو حرام کرده است که موجب تباهی و تغییر خردهای نوشندگان آن است.»^۲ امام در زشتی تفریحات ناپسند این سخن را بیان داشتند: «خدا بندگان

۱. همان.

۲. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۹۸.

را از همه قمارها [بازی‌های دارای برد و باخت] نهی و به اجتناب از آن‌ها امر فرمود و آن را پلیدی نامید و فرمود: پلیدی‌هایی هستند که گرایش به آن‌ها برخاسته از وسوسه‌های شیطان است، پس از آن‌ها بپرهیزند.^۱»

● سیر و سفر

برای مسافرت، چه آداب و ویژگی‌هایی توصیه می‌شود؟

سیر و سفر در فرهنگ اسلام تأیید و تشویق شده است و فوایدی چون اندوه‌زدایی، درآمدزایی، دانش‌افزایی، ادب‌آموزی و همراهی با شرافتمند را در پی دارد.^۲ پیشوایان دین درباره اهمیت و ویژگی‌ها و آداب آن، نکات مهمی بیان کرده‌اند. نکات زیر برگرفته از فرمایش‌های امام رضا (ع) است:

۱. توجه به همسفر: سه نکته در سفر نشان از مردانگی است: بخشیدن از توشه، خوشخویی و شوخی جز در گناهان.^۳

۲. دعا و ذکر به هنگام سفر: «چون از منزلت بدر شوی، برای سفر یا در حضر بگو: بِسْمِ اللَّهِ، آمَنْتُ بِاللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. با رویه روشن شدن شیاطین، فرشته‌ها به روی آن‌ها زنند و گویند: راهی بدو ندارید؛ زیرا نام خدا برده و بدو ایمان آورده و توکل کرده و گفته است: مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.»^۴

۳. همراه داشتن انگشتری: «عقیق، حرز (پناه و محافظ از خطر) سفر است.»^۵

۴. انتخاب زمان مناسب: «در روز دوشنبه و پنج‌شنبه، پیامبر (ص) به مسافرت می‌رفتند.»^۶ همچنین برخلاف گفته آنان که فال بد می‌زنند، آغاز

۱. مائده، ۹۰.

۲. فقه الرضا (ع)، ص ۲۸۴.

۳. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۱۱۵.

۴. عیون أخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۲۷.

۵. بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۲۴۰.

۶. ابن فهد حلّی، عدة الداعی، ص ۱۲۹.

۷. ابن طاووس، الأمان من أخطار الأسفار والأزمان، ص ۳۲.

سفر در چهارشنبه آخر ماه پسندیده است.^۱

۵. پرهیز از سفر معصیت: برخلاف سفر طاعت یا مباح، در سفر معصیت نماز باید تمام خوانده شود. در این روایت، امام سفری را که برای دیدار ظالم و ارتباط با وی باشد، سفر معصیت می‌شمارند: دو مرد بر امام رضا علیه السلام در خراسان درآمدند و از او درباره احکام نماز در سفر پرسش کردند. به یکی از آنان فرمود: «چون تو آهنگ دیدار مرا داشته‌ای، واجب است نمازت را قصر (شکسته) بخوانی» و به دیگری فرمودند: «تو باید نماز را تمام بگزاری؛ چون که قصد تو دیدار سلطان بوده است.»^۲

• خواب و تعبیر خواب

آیا خوابیدن آداب خاصی دارد؟ درباره تعبیر خواب چه رهنمودی وجود دارد؟

خواب یکی از نعمت‌های الهی است که با برآورده شدن و تنظیم درست این نیاز اساسی جسم، بیداری و تلاش لذت بخش می‌شود. آن‌گونه که امام رضا علیه السلام می‌فرمایند: «قدرت و سلطنت خواب، در مغز است و خواب مایه پایداری و نیرومندی جسم است.»^۳ در نگاه امام رضا علیه السلام چند توصیه و نکته مهم درباره خواب وجود دارد که به نوعی پاسخ به این پرسش است:

۱. هرگاه خواستی بخوابی، ابتدا به سمت راست بخواب^۴ و سپس به سمت چپ. همچنین هنگام برخاستن، از سمت راست برخیز.^۵
۲. کسی که به هنگام خواب آیه الکرسی بخواند، إن شاء الله از فلج شدن ترسی نخواهد داشت.^۶

۳. تاکنون هیچ‌کسی به هنگام خواب آیه ﴿إِنَّ اللَّهَ يُمِصُّ السَّمَوَاتِ وَ

۱. کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۷۳.

۲. فیض کاشانی، الوافی، ج ۷، ص ۱۷۹.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۳۱۶.

۴. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: ان الله یحب التیامن فی کل شیء؛ (خداوند سمت راست را در هر چیزی دوست دارد.) مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۳۰.

۵. بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۳۱۶.

۶. ثواب الاعمال، ص ۱۰۵.

الأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَ لَيْنَ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا ﴿٤﴾ را نخوانده، مگر اینکه از خراب شدن خانه بر سر خود جلوگیری کرده است.^۲

۴. الرُّؤْيَا عَلَى مَا تُعْبَرُ؛ (خواب همان طور نتیجه می دهد که تعبیر می شود.) در عهد حضرت رسول ﷺ زنی در خواب دید یکی از ستون های منزلش شکست. نزد حضرت رسول ﷺ آمد و داستان خوابش را تعریف کرد. پیغمبر اکرم ﷺ فرمودند: «شوهرت به همین زودی خواهد آمد و با حال سلامتی و تندرستی در منزل قدم خواهد گذاشت.» چند روز بعد، شوهر آن زن از مسافرت برگشت و تعبیر حضرت رسول ﷺ درست از کار درآمد. بار دیگر، آن مرد به مسافرت رفت و باز زنی در خواب دید که ستون منزلش شکست. خدمت حضرت رسول ﷺ آمد و داستان خوابش را تعریف کرد. حضرت فرمودند: «شوهرت به زودی از مسافرت خواهد آمد» و همان طور که پیغمبر ﷺ فرموده بودند، شوهرش پس از چند روز از سفر برگشت. بار دیگر شوهرش به مسافرت رفت و زن باز در خواب دید که ستون منزلش شکست. این بار نزد حضرت رسول ﷺ نرفت و از مرد دیگری تعبیر خوابش را پرسید. آن مرد گفت: «شوهرت خواهد مرد.» هنگامی که تعبیر خواب را برای پیغمبر ﷺ نقل کردند، فرمودند: «چرا تعبیر خوبی برای خوابش نکرد؟!»^۳

۵. دیشب یکی از وابسته های علی بن یقظین را در خواب دیدم که میان دو چشمش خال درخشان سفیدی بود و آن را به دین داری تعبیر کردم.^۴

• مسکن مناسب

حدیثی از پیامبر ﷺ نقل می کنند که داشتن خانه، نشانه خوشبختی مردم است. در این باره توضیح دهید؟

این حدیث از رسول خدا ﷺ بیان شده است. ایشان یکی از نشانه های

۱. فاطر، ۴۱. «خداوند آسمان ها و زمین را نگاه می دارد تا از نظام خود منحرف نشوند و هرگاه منحرف

شوند، کسی جز او نمی تواند آن ها را نگاه دارد. او پرده بار و آمرزنده است.»

۲. ثواب الاعمال، ص ۱۵۲.

۳. کافی، ج ۸، ص ۳۳۵.

۴. بحار الأنوار، ج ۵۸، ص ۱۶۰.

سعادت و خوشبختی مرد مسلمان را داشتن خانه‌ای وسیع و مرکبی راهوار و همسر و فرزندی صالح می‌دانند.^۱

امام رضا علیه السلام نیز بر فراخی منزل تأکید می‌کردند و می‌فرمودند: «زندگی دنیا و لذت آن در بزرگی منزل و دوستان زیاد است.»^۲ حضرت رضا علیه السلام برای یکی از خدمتکاران خود منزلی خریدند و فرمودند: «چون منزل شما تنگ است، در آنجا ساکن شو!» آن مرد گفت: «پدرم در اینجا زندگی می‌کرد.» امام فرمودند: «اگر پدرت نادان بود، تو هم باید مانند او باشی؟!»^۳

● ساده‌زیستی

سبک و شیوه زندگی امام رضا علیه السلام چگونه بود؟ نظر ایشان درباره ساده‌زیستی و تجمل‌گرایی چه بود؟

سادگی و بی‌تکلفی در زندگی امام جاری بود. آن حضرت کم‌خوراک بودند و غذای سبک می‌خوردند. در خانه جامه‌ای ساده و غالباً پیراهنی از پارچه‌های خشن بر تن می‌کردند و فقط در مجالس عمومی و در میان مردم جبهه‌ای لطیف بر رویش می‌پوشیدند.

معمربن خلاد گوید: از حضرت رضا علیه السلام شنیدم که می‌فرمودند: «به خداوند سوگند، اگر خلافت امت در دستم قرار گیرد، طعام‌های ناگوار و لباس‌های درشت خواهم خورد و خواهم پوشید و خود را بعد از راحتی، به سختی و زحمت خواهم افکند.» حضرت رسول صلی الله علیه و آله در وصیت‌های خود به ابوذر فرمودند: «ای ابوذر، من لباس‌های درشت و خشن می‌پوشم و روی زمین می‌نشینم و انگشت‌های خود را پاک می‌کنم و بر الاغ بدون زین سوار می‌شوم و دیگری را هم دنبال خود سوار می‌کنم. هرکس از روش من دوریگزیند، از من نیست. ای ابوذر، اکنون لباس‌های خشن در بر کن تا تکبر و نخوت بر تو مسلط نشود.»^۴

۱. مکارم الاخلاق، ص ۱۲۵.

۲. عطاردی، مُسند الامام الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۷۴.

۳. بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۵۳.

۴. مکارم الاخلاق، ص ۱۱۵.

ابن عباد می‌گوید: «امام تابستان‌ها روی حصیری می‌نشستند و زمستان‌ها بر گلیمی استراحت می‌نمودند و تنها برای برخی نشست‌های جمعی، خویشتن را در مواقعی می‌آراستند.»^۱

گاه به هنگام آراستگی و پوشش، به ایشان اعتراض می‌کردند و ایراد می‌گرفتند. وی در پاسخ می‌فرمودند: «یوسف بن یعقوب، پیغمبر و فرزند پیغمبر بود. پارچه‌های دیبا می‌پوشید و در مجالس آل فرعون می‌نشست و این لباس‌ها و معاشرت‌ها او را از مقامش فرود نیاورد.»^۲

امام علیه السلام ضمن نفی زهدفروشی و پشمینه‌پوشی صوفیان^۳ همه را به ساده‌زیستی توصیه می‌کردند و یاران خود را به توصیه‌ی پیش‌گفته‌ی حضرت رسول صلی الله علیه و آله به ابوذر یادآوری می‌کردند.

• لباس و پوشش

با توجه به ساده‌زیستی امام رضا علیه السلام در کیفیت لباس و پوشش، چگونه از ایشان الگو بگیریم؟

حضرت رضا علیه السلام می‌فرمودند: پدرم می‌گفت: «نظر شما درباره‌ی لباس زیبا چیست؟» گفتم: «در اخبار رسیده که حسن علیه السلام لباس‌های زیبا می‌پوشید و جعفر بن محمد علیه السلام لباس‌های تازه می‌خرید و در آب فرو می‌برد و سپس در بر می‌کرد و به من می‌گفت تو هم بیوش و خود را نو کن. زیرا علی بن الحسین علیه السلام جبه‌های خزرا پانصد درهم می‌خرید و در بر می‌کرد و مُطَرَف خزرا پنجاه درهم می‌خرید و زمستان می‌پوشید و بعد آن را می‌فروخت و به فقرا انفاق می‌نمود و می‌فرمود: ﴿مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ﴾.^۴»^۵ با دقت در این روایت باید توجه کرد که مسلمان می‌تواند با انتخاب لباس خوب و مناسب، ساده‌زیست باشد.

۱. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۸۷

۲. مکارم الاخلاق، ص ۹۸.

۳. بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۳۵۲.

۴. اعراف، ۳۲.

۵. کافی، ج ۶، ص ۴۵۱.

یاسر خادم گوید که حضرت رضا علیه السلام فرمودند: «برای خود یک جبه خز بخريد و اگر خواستيد پارچه های نقش دار تهیه کنید.» عرض کردم: «هر پارچه نقش داری را بخرم؟» ایشان فرمودند: «مگر پارچه نقش دار چیست؟» گفتم: «پارچه های نقش داری که در آن پنبه نباشد، می گویند حرام است.» وی فرمودند: «تو از آن پارچه هایی بیوش که در آن پنبه هست.»^۱

یاسر خادم می گوید: امام رضا علیه السلام لباس را از سمت راست خود می پوشیدند و هرگاه می خواستند لباس جدیدی بپوشند، یک کاسه آب طلب می کردند و ده بار «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ»، ده بار «قُلْ هُوَ اللَّهُ» و ده بار «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» بر آن می خواندند. سپس آب را بر آن لباس می پاشیدند و می فرمودند: «هرکس قبل از اینکه لباسش را بپوشد، چنین کند، مادامی که یک نخ از آن لباس باقی باشد، زندگی با وسعت و راحتی خواهد داشت.»^۲

• خوردن و آشامیدن

برای خوردن و آشامیدن چه آدابی وجود دارد؟ امام رضا علیه السلام چه توصیه ای در این زمینه می کنند؟

نوع و شیوه خوردن و آشامیدن، در تندرستی و صحت و سلامت بدن بسیار مؤثر است. با الهام از فرمایش های امام رضا علیه السلام، نکات زیر را تقدیم می کنیم:

۱. در آغاز خوردن، غذاهای سبک بخور، به اندازه توان و اشتها؛^۳
۲. تا هنوز اشتها داری، دست از خوردن بردار.^۴ پرهیز، ترک خوردن چیزی به طور کلی نیست؛ بلکه پرهیز، کم به کار بردن است؛^۵
۳. هرکس در خوراک خود کمتر مصرف کند، سلامتی او افزون تر و فکر او بازتر خواهد بود؛^۶

۱. کافی، ج ۶، ص ۴۵۲.

۲. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۳۱۵.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۳۰۸.

۴. همان.

۵. صدوق، معانی الاخبار، ص ۲۳۸.

۶. بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۳۴.

۴. بنگر چه با تو و با معدۀ تو سازگار است و تنت را نیرو دهد و چه خوراکی بر تو گواراست. آن را اندازه بگیر و خوراک خود کن؛^۱
۵. به اندازه توان و میل خود در تابستان غذای با طبع سرد و در زمستان با طبع گرم و در دو فصل دیگر غذای معتدل بخور؛^۲
۶. من از سفره‌ای که در آن سبزی نباشد غذا نمی‌خورم؛^۳
۷. [در باره ادب سفره] اگر بر سر شما برخاستم و شما در حال خوردن غذا باشید، برنخیزید تا فارغ شوید؛^۴
۸. هرگاه غذا خوردی، [اندکی] به پشت دراز بکش و پای راست را روی پای چپ بنه؛^۵
۹. شب شام بخورید، اگرچه تکه‌ای نان باشد. شب شام خوردن بدن را نیرو می‌دهد. هرگاه مردی سنین عمرش از چهل سالگی تجاوز کرد، نباید شب بدون خوردن شام بخوابد. خوردن شام خواب را بر انسان گوارا می‌کند و دهن را خوشبو می‌سازد.^۶

۱. همان.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۳۱۱.

۳. مکارم الاخلاق، ص ۱۷۶.

۴. بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۱۴۱.

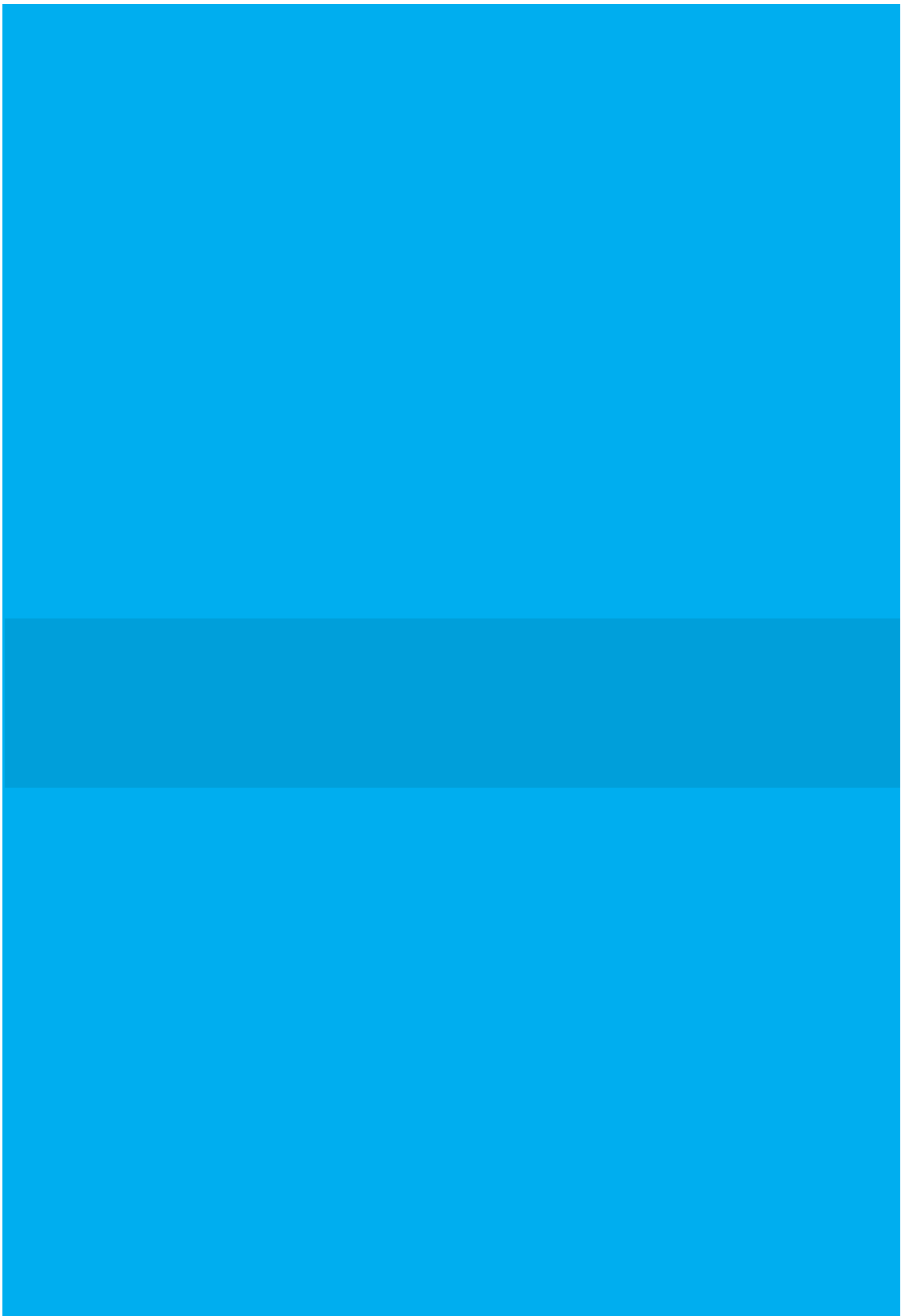
۵. کافی، ج ۶، ص ۲۹۹.

۶. کافی، ج ۶، ص ۲۸۸.



فصل چهارم:

ارتباط با خلق



● معاشرت کریمانه

حضرت رضا علیه السلام در برخورد با دیگران چه سبکی داشتند؟ از اخلاق کریمه آن بزرگوار یاد کنید.

نوع برخورد و معاشرت پسندیده امام به گونه ای بود که بدون استثنا، در دل های مردم نفوذ فراوان داشتند.^۱ همواره متبسم و خوش رو بودند و می فرمودند: «عیسی علیه السلام می گریست و می خندید؛ ولیکن یحیی علیه السلام می گریست و نمی خندید. سیره عیسی علیه السلام نیکوتر است.»^۲

امام در معاشرت نیکو، سرآمد و مثال زدنی بودند. ابراهیم بن عباس می گفت: «امام رضا علیه السلام با سخن هرگز به هیچ کس جفا نکرد و کلام کسی را نبرید تا مگر شخص از گفتن باز ایستد. حاجتی را که می توانست برآورده سازد، رد نمی کرد. پاهایش را دراز نمی کرد و هرگز روبه روی کسی که نشسته بود، تکیه نمی داد و هیچ کس از غلامان و خادمان خود را دشنام نمی داد. هرگز آب دهان بر زمین نمی افکند و در خنده اش قهقهه نمی زد؛ بلکه تبسم می نمود.»^۳

مردم به راحتی به حضور امام می رسیدند و خواست و سؤال خویش را طرح می کردند؛ زیرا حضرت بعد از اینکه از نماز و سجده خود فارغ می شدند، جلوس می کردند، مردم در خدمتشان حاضر می شدند و احتیاجات خود را عرضه می داشتند.^۴

۱. ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱، ص ۱۲۱.

۲. کافی، ج ۲، ص ۶۶۶.

۳. اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۳۱۶.

۴. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۷۹.

امام علیه السلام با مردم بسیار نرم و آرام سخن می گفتند^۱ و درباره کسی سخن ناروا بر زبان نمی راندند.^۲ هرکس با وی صحبت می کرد، آن حضرت به سخنان او گوش می دادند و تا مطلب او تمام نمی شد، سخن او را قطع نمی کردند.^۳ این سفارش را به یاران خود می فرمودند: «هرگاه با مردی حضوری خواستی سخن بگویی، او را با کنیه مخاطب قرار بده و هرگاه خواستی از کسی که غایب است، سخن بگویی، او را با نامش عنوان کن.»^۴

امام رضا علیه السلام با زبردستان و خادمان خود با مهربانی و ملایمت رفتار می کردند. هنگامی که تنها می شدند، همه آنان را از بزرگ و کوچک جمع می کردند و با آنان سخن می گفتند. ایشان به آنان انس می گرفتند و آنان با او در تنهایی، هنگامی که برای امام غذا می آوردند، آن حضرت خادمان و حتی دربان و نگهبان را بر سر سفره شان می نشاندند و با آن ها غذا می خوردند.

مردی از اهالی بلخ می گفت: در سفر خراسان با امام رضا علیه السلام همراه بودم. روزی سفره گسترده بودند و امام همه خدمتگزاران و غلامان حتی سیاهان را بر آن سفره نشاندند تا همراه او غذا بخورند. به امام عرض کردم: «فدایتان شوم. بهتر است اینان بر سفره ای جداگانه بنشینند.» فرمود: «ساکت باش. پروردگار همه یکی است، پدر و مادر همه یکی است و پاداش هم به اعمال است.»^۵

حضرت به آمدو شد مؤمنان با یکدیگر، تأکید داشتند و می فرمودند: «سخی از غذای مردم می خورد تا مردم هم در سر سفره او حاضر شوند و از غذاهای او بخورند؛ اما بخیل برای اینکه مردم از طعام او نخورند، از خوردن طعام دیگران خودداری می کند.»^۶

۱. همان.

۲. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۸۴.

۳. همان.

۴. کافی، ج ۲، ص ۶۷۱.

۵. کافی ج ۸ ص ۲۳۰.

۶. کافی، ج ۴، ص ۴۱.

ایشان مهمان را دوست می داشتند و بر اکرام او پای می فشردند. شبی امام میهمان داشتند. در میان صحبت، چراغ نقصی پیدا کرد. میهمان امام دست پیش آورد تا چراغ را درست کند. امام نگذاشتند و خود این کار را انجام دادند و فرمودند: «ما گروهی هستیم که میهمانان خود را به کار نمی گیریم.»^۱

تواضع و فروتنی امام مثال زدنی بود. روزی شخصی که امام را نمی شناخت، در حمام از امام خواست تا او را کیسه بکشد. امام علیه السلام پذیرفتند و مشغول شدند. دیگران امام را بدان شخص معرفی کردند و او با شرمندگی به عذرخواهی پرداخت؛ ولی امام بی توجه به عذرخواهی او همچنان او را کیسه می کشیدند و او را دلداری می دادند که طوری نشده است.^۲

امام در کنار تأکید بر معاشرت کریمانه با مردم، درباره معاشرت با اشرار هشدار می دادند و می فرمودند: «هرگاه شنیدی مردی حق را انکار می کند یا تکذیب می نماید یا اهل حق را دشنام می دهد، از نزد او برخیز و با او مجالست مکن.»^۳

● احسان و دست گیری

کمک و احسان امام به نیازمندان چگونه بود؟ لطفاً نمونه هایی از آن را بیان کنید؟
انفاق و دست گیری ضلعی مهم از رابطه فرد با جامعه است. انسان باید در برابر روزی هایی که خداوند به وی عطا کرده است، انفاق کند.
هرکس از حضرت رضا علیه السلام درخواستی داشت. ایشان در صورتی که قدرت و توانایی داشتند، خواسته او را انجام می دادند.^۴ امام احسان فراوانی داشتند و به تنگ دستان در نهان صدقه می دادند و بیشتر، این کار را

۱. کافی، ج ۶، ص ۲۸۳.

۲. مناقب، ج ۴، ص ۳۶۲.

۳. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۲۸۱.

۴. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۸۴.

در شب‌های تاریک به انجام می‌رسانند^۱ تا احسان ایشان، شرمندگی نیازمند را در پی نداشته باشد.

روزی غریبی خدمت امام رسید. سلام کرد و گفت: «من از دوستان شما و پدران و اجدادتان هستم. از حج بازگشته‌ام و خرجی راه تمام کرده‌ام. اگر مایلید مبلغی به من مرحمت کنید تا خود را به وطن برسانم و در آنجا از جانب شما معادل همان مبلغ را به مستمندان صدقه خواهم داد؛ زیرا من در شهر خویش فقیر نیستم و اینک در سفر نیازمند مانده‌ام.» امام برخاستند و به اتاقی دیگر رفتند. دویست دینار آوردند و از بالای در دست خویش را فراز آوردند. آن شخص را خواندند و فرمودند: «این دویست دینار را بگیر و توشه راه کن و به آن تبرک بجوی. لازم نیست که از جانب من معادل آن صدقه بدهی...» آن شخص دینارها را گرفت و رفت. امام از آن اتاق به جای اول بازگشتند. از ایشان پرسیدند: «چرا چنین کردید که شما را هنگام گرفتن دینارها نبیند؟» فرمودند: «خواستیم وی صورت مرا نبیند و من هم ذلت سؤال را در چهره او مشاهده نکنم. آیا نشنیده‌اید که حضرت رسول ﷺ فرمود: کسی که نیکی را ببوشاند، مانند این است که هفتاد عمل نیک را انجام داده است و کسی که بدی‌ها را علنی انجام دهد، رسوا می‌شود و کسی که اعمال بد را پنهانی انجام دهد، خداوند آن اعمال زشت را خواهد بخشید.»^۲

احسان حضرت رضا علیه السلام مرزی نداشت و ایشان حتی پیش از شروع به غذا خوردن نیز سهم مساکین را جدا می‌کردند. روایت است که هرگاه سر سفره غذا می‌نشستند، ظرفی پیش آن جناب می‌گذاشتند. حضرت قبل از اینکه شروع به میل کردن غذا بفرمایند، از غذاهای گوناگونی که در سفره حاضر بود، از هر کدام مقداری برمی‌داشتند و در آن ظرف مخصوص می‌گذاشتند و سپس دستور می‌دادند آن غذا را به فقرا بدهند. حضرت رضا علیه السلام در این هنگام، آیه شریف «فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ» را قرائت می‌کردند و می‌فرمودند:

۱. کشف الغمه، ج ۲، ص ۳۱۶.

۲. کافی، ج ۴، ص ۲۴؛ مناقب، ج ۴، ص ۳۶۰؛ بحار الأنوار، ج ۴، ص ۳۶۰.

«خداوند متعال می دانست همهٔ بندگانش قدرت ندارند برده بخرند و آزاد کنند، از این رو اطعام مساکین را مانند آزاد کردن بردگان تلقی کرده است و از این طریق بندگان را به طرف بهشت راهنمایی کرده است.»^۱

امام رضا علیه السلام هرچه داشتند، برای حل مشکل نیازمند هزینه می کردند. مردی به امام برخورد کرد و گفت: «به قدر مردانگی ات بر من ببخش.» امام علیه السلام فرمودند: «به این مقدار ندارم.» مرد گفت: «به قدر مردانگی خودم ببخش.» امام فرمودند: «این قدر دارم.» سپس امر کردند: «ای غلام، دو بیست دینار به او بده.»^۲

حضرت رضا علیه السلام در واکنش به سخن فضل بن سهل که امام را برای انفاق همهٔ مال خود ملامت می کرد، چنین فرمودند: لاتعدن مغرما ما اتبعنا به اجرا و مکرمًا؛^۳ (چیزی را که پاداش و کرامت بدان تعلق می گیرد، ضرر محسوب مکن.)

حضرت رضا علیه السلام هنگامی که در خراسان بودند، در روز عرفه تمام ثروت خود را به مردم بخشیدند. فضل بن سهل عرض کرد: «این عمل شما موجب ضرر و زیان است.» حضرت فرمودند: «خیر چنین نیست؛ بلکه در این عمل غنیمت و سود فراوانی است. اگر به وسیلهٔ مال، اجر و مزدی برای انسان حاصل شد، آن را هرگز ضرر و زیان تلقی نکن.»^۴

• برترین ها و بدترین ها

آیا در زندگی جمعی، می توان از بهترین ها و بدترین ها یاد کرد؟

در این باره دو سخن از امام رضا علیه السلام مطرح شده است:

۱. از امام رضا علیه السلام دربارهٔ بهترین بندگان خدا پرسیدند که آنان کیستند؟ امام علیه السلام فرمودند: کسانی که إِذَا أَحْسَنُوا اسْتَبْشَرُوا؛ (چون نیکی کنند، شاد شوند) وَ إِذَا أَسَاءُوا اسْتَغْفَرُوا؛ (و چون بد کنند، آمرزش خواهند) وَ إِذَا أُعْطُوا

۱. کافی، ج ۴، ص ۵۲.

۲. بحار الأنوار، ج ۴۹، ص ۱۰۰.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۲۳۵.

۴. المناقب، ج ۴، ص ۳۶۱.

شکروا؛ (و اگر چیزی شان دهند، سپاس گزارند) وَ إِذَا ابْتُلُوا صَبْرُوا؛ (و چون گرفتار شوند، شکبیا باشند) وَ إِذَا عَضِبُوا عَفْوًا؛ (و چون خشمگین شوند، گذشت کنند [و مانع خشم خود شوند].)

۲. علی بن شعیب گفت: خدمت امام رضا علیه السلام رسیدم. به من فرمودند: «ای علی، زندگانی چه کسی بهتر است؟» عرض کردم: «سرور من، تو بدان آگاه‌تری تا من.» حضرت علیه السلام فرمودند: مَنْ حَسَنَ مَعَاشَ عَيْرِهِ فِي مَعَاشِهِ؛ (کسی که دیگری از پرتو زندگانی او زندگی خوبی داشته باشد.) بعد پرسیدند: «زندگانی چه کسی بدتر است؟» عرض کردم: «تو بدان آگاه‌تری.» فرمودند: مَنْ لَمْ يُعِشْ عَيْرَهُ فِي مَعَاشِهِ؛ (کسی که در پرتو زندگانی او دیگری زندگانی نکند.) ای علی، با نعمت‌ها خوش برخورد باش که گریز یابند و از قومی دور نشوند که دگر بار نزدشان باز آیند.^۲

● رعایت حقوق مردم

در سیره معصومان علیهم السلام نمونه‌های فراوانی از رعایت حقوق مردم را خوانده یا شنیده‌ایم. شیوه امام رضا علیه السلام در این خصوص چگونه بوده است؟

رعایت حقوق مردم و توجه به حق رنج‌کشیدگان، اصل قطعی و خدشه‌ناپذیر در زندگی اجتماعی امام بود. توجه به دادن دسترنج زحمت‌کش و تعیین مزد پیش از پایان کار، یکی از نمونه‌های دغدغه‌مندی امام است. به این ماجرا بنگرید که سلیمان جعفری آن را روایت می‌کند:

برای برخی کارها خدمت امام بودم. چون کارم انجام شد، خواستم مرخص شوم. امام فرمودند: «امشب نزد ما بمان.» همراه امام به خانه او رفتم. هنگام غروب بود. غلامان حضرت مشغول بتأیی بودند. امام در میان آن‌ها غریبه‌ای دیدند. پرسیدند: «این کیست؟» عرض کردند: «به ما کمک می‌کند و به او چیزی خواهیم داد.» فرمودند: «مزدش را تعیین کرده‌اید؟» گفتند: «نه. هرچه بدهیم می‌پذیرد.» امام برآشفتنند و خشمگین

۱. تحف العقول، ص ۴۴۵.

۲. تحف العقول، ص ۴۴۸.

شدند. به حضرت عرض کردم: «فدایتان شوم. خود را ناراحت نکنید...» ایشان فرمودند: «بارها به این‌ها گفته‌ام که هیچ‌کس را برای کاری نیاورید؛ مگر آنکه قبلاً مزدش را تعیین کنید و قرارداد ببندید. کسی که بدون قرارداد و تعیین مزد کاری انجام دهد، اگر سه برابر مزدش را بدهی، باز گمان می‌کند مزدش را کم داده‌ای؛ ولی اگر قرارداد ببندی و به مقدار معین شده بپردازی، از تو خشنود خواهد بود که طبق قرار عمل کرده‌ای و در این صورت اگر بیش از مقدار تعیین شده چیزی به او بدهی، هرچند کم و ناچیز باشد، می‌فهمد که بیشتر پرداخته‌ای و سپاسگزار خواهد بود.»^۱

• شوخی و شادابی

در سیره رضوی، مزاح چه جایگاهی دارد و مرز شوخی با دیگران کجاست و مزاح در نشست و برخاست‌ها چگونه است؟

سیرت نیکو و اخلاق خوش، آدمی را نزد خداوند محبوب می‌کند و اگر این حسن اخلاق، شادی دیگران را در پی داشته باشد، مسرت پیامبر و خدا را به دنبال خواهد داشت؛ چراکه رسول خدا ﷺ می‌فرماید: مَنْ سَرَّ مُؤْمِنًا فَقَدْ سَرَّنِي وَ مَنْ سَرَّنِي فَقَدْ سَرَّ اللَّهَ^۲ (هرکس مؤمنی را مسرور کند، همانا مرا شاد کرده و هرکس مرا شادمان کند، خداوند را خوش حال کرده است).

شوخی طبیعی از گونه‌های شیرین شادمانی است که آن را از ویژگی‌های دین‌داران دانسته‌اند.^۳ وقتی از اخلاق رسول گرامی اسلام ﷺ یاد می‌شود، گشاده‌رویی و نرم‌خویی و خوش‌خلقی را از اوصاف ایشان برمی‌شمارند. حضرت با دوستان خود، به قصد آنکه شادمانشان سازند، شوخی می‌کردند و بر آن بودند تا سرور و شادابی را زنده نگه دارند تا آنان بر خستگی‌ها و فشارهای زندگی فائق آیند.

معمربن خلاد می‌گوید: به ابوالحسن الرضا علیه السلام گفتم: «جانم به قربانت.

۱. کافی، ج ۵، ص ۲۸۸.

۲. کافی، ج ۲، ص ۱۸۸.

۳. المؤمنون دعب لعب؛ (مؤمن شوخ است و اهل سرگرمی)، تحف العقول، ص ۴۹.

انسان در اجتماعی می نشیند، بعد سخنی به میان می آید که مزاح می کنند و می خندند.» امام فرمودند: «مانعی ندارد، اگر چیزی نباشد.» من تصور کردم که منظور آن حضرت، فحش و ناسزا بود. بعد از این سخن، ابوالحسن الرضا علیه السلام گفتند: «یک نفر اعرابی از صحرا می آمد و برای رسول خدا صلی الله علیه و آله هدیه می آورد و هنوز از جایش برنخاسته بود که می گفت: ای رسول خدا، پول هدیه را لطفاً بپردازید. رسول خدا صلی الله علیه و آله از سخن او می خندید. بعدها هرگاه که رسول خدا صلی الله علیه و آله غمناک بودند، می فرمودند: آن مرد اعرابی چه شد؟ کاش می آمد و ما را می خندانند.»^۱

اعتدال در شوخ طبعی ارزش است. این روایت را به یاد داشته باشیم که «امام را هرگز با خنده شدید ندیدم؛ بلکه آن جناب فقط متبسم بودند.»^۲ البته همان گونه که در این روایت نیز بیان شده بود، رعایت مرز مزاح بر همگان لازم است و بدیهی است شوخی باید از دروغ، زشتی، فحش و ناسزا دور باشد و ضمن پرهیز از افراط در شوخی، حریم شرعی نیز حفظ شود.

• عیادت بیمار

به چه دلیل در سخنان معصومان علیهم السلام بر عیادت بیمار توصیه می شود؟

تکریم بیمار و عیادت از او یکی از سفارش های مهم اسلام بوده و یکی از حقوق مؤمنان شمرده شده است.^۳ از حضرت ابوالحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام منقول است که آن حضرت فرمودند: «هریک از شما که بیمار شوید، برادران مؤمن خود را اعلام کنید تا شما را عیادت کنند که هر مؤمنی را اقلای یک دعای مستجاب هست. شاید که آن نصیب شما شود.»^۴

• ارتباط با والدین

آموخته ایم که رفتار نیکو با والدین در اولویت نخست آداب معاشرت جای دارد.

۱. کافی، ج ۲، ص ۶۶۳.

۲. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۸۴.

۳. روضة الواعظین، ج ۲، ص ۲۹۲.

۴. لوامع صاحبقرانی، ج ۲، ص ۱۵۲.

چند نکته درباره رفتار و نوع برخورد با آنان بیان کنید؟

نیکی به والدین مهم‌ترین تکلیف الهی تلقی می‌شود. به‌گونه‌ای که بعد از توحید از آن یاد می‌کنند. همچنان که مسئله عقوق، بعد از شرک ورزیدن به خدا، بزرگ‌ترین گناه کبیره است.^۱

نوع ارتباط با والدین در فرهنگ رضوی این‌گونه است:

۱. امام رضا علیه السلام بر رفتار پسندیده با پدر و مادر توصیه فرموده و این نکات را بیان می‌کنند: نیکی به پدر و مادر، اگرچه مشرک باشند، واجب است؛ ولی محدودۀ اطاعت از پدر و مادر تا جایی است که اطاعت آن‌ها معصیت خدا نباشد.^۲

معمر بن خلاد به امام رضا علیه السلام عرض کرد: «اگر پدر و مادر مذهب حق را نشناسند، دعایشان کنم؟» امام فرمودند: «برای آن‌ها دعا کن و از جانب آن‌ها صدقه بده و اگر زنده باشند و مذهب حق را نشناسند، با آن‌ها مدارا کن؛ زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: خدا مرا به رحمت فرستاده نه به بی‌مهری و نافرمانی.»^۳

۲. خداوند به سه چیز همراه با سه چیز دیگر امر کرده است. از جمله امر بِالشُّكْرِ لَهُ وَ لِلْوَالِدَيْنِ، فَمَنْ لَمْ يَشْكُرْ وَالِدَيْهِ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ؛^۴ (امر کرده است که از او تشکر کنند و سپاسگزار او باشند، همراه با شکر و سپاس از والدین. پس هر که از والدین خود تشکر نکرد و آن‌ها را سپاس نگفت، شکر خدا را به جا نیاورده و او را سپاس نگفته است...)

۳. امام علیه السلام درباره عقوق والدین هشدار می‌دهند: «خداوند متعال عقوق والدین را حرام کرده و این به سبب خروج از اطاعت خداوند و تعظیم والدین و دوری از کفران نعمت و ابطال شکر و سپاسگزاری است. اگر عقوق والدین حرام نشده بود، قطع نسل پیش می‌آمد و احترام پدر

۱. «قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّيَ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئاً وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَاناً...» انعام، ۱۵۱.

۲. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۲۴.

۳. کافی، ج ۲، ص ۱۵۹.

۴. بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۶۸.

و مادر از بین می‌رفت و کسی حقوق آن‌ها را نمی‌شناخت. در نتیجه قطع رحم می‌شد و پدر و مادر، اولاد خود را ترک می‌کردند و فرزندان هم از نیکی به آن‌ها خودداری می‌ورزیدند.^۱

● انتخاب همسر

از امام رضا علیه السلام یک معیار برای انتخاب همسر بیان کنید؟

دقت در انتخاب همسر، ضرورت است و مسامحه و بی‌توجهی پشیمانی در پی خواهد داشت. وقتی از ویژگی‌ها و معیارهای گزینش همسر یاد می‌شود، در کنار دین‌داری، حُسن خلق معیاری مهم تلقی می‌شود. نیک‌سیرتی و اخلاق خوش و برخورداری از فضائل اخلاقی، اساس و شیرازه استحکام زندگی زناشویی است و بی‌شک «سوء اخلاق» بی‌احترامی و نامهربانی‌هایی در پی دارد و فروغ محبت را خاموش خواهد ساخت. حسین بن بشار واسطی درباره‌ی نامه‌ای که برای امام رضا علیه السلام نوشت، چنین می‌گوید: خدمت امام رضا علیه السلام نامه‌ای نوشتم که یکی از بستگانم از دخترم خواستگاری کرده است؛ ولی مرد بد اخلاقی است. امام در پاسخ چنین مرقوم کردند: لَا تُزَوِّجُهُ إِنْ كَانَ سَيِّئَ الْخُلُقِ؛^۲ (اگر بد اخلاق است، دختری را به ازدواج او درنیاور).

● رفتار با همسر

امام رضا علیه السلام درباره‌ی رفتار با همسر چه می‌فرمایند؟

رابطه‌ی عاطفی و وابستگی زن و شوهر به یکدیگر، امتیاز و لطف الهی برای زیبایی و طراوت زندگی است. با درنگ در روایت امام رضا علیه السلام از حادثه‌ای تاریخی، به اهمیت این رابطه می‌توان پی برد. ایشان فرمودند: حضرت رسول صلی الله علیه و آله به بنت جحش فرمودند: «دایی تو، حمزه، کشته شد.» وی کلمه‌ی استرجاع بر زبان جاری کرد و گفت: «او را در راه خدا حساب می‌کنم.» بار دیگر

۱. بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۷۵.

۲. کافی، ج ۵، ص ۵۶۳.

فرمودند: «برادرت کشته شد.» باز استرجاع گفت و اظهار کرد: «او را به حساب خداوند می‌گذارم.» مرتبه سوم فرمودند: «شوهرت کشته شد.» در این هنگام بنت جحش دست خود را روی سرش گذاشت و گریه کرد. پیغمبر اکرم ﷺ فرمودند: «هیچ کس در نزد زن به اندازه شوهر اهمیت ندارد.»^۱ از حضرت رضا ﷺ سخنان چندی برای نوع رابطه زن و مرد بیان شده است. دو نکته زیر از جمله آن هاست:

۱. هیچ فایده‌ای به کسی نمی‌رسد بهتر از اینکه برای او بانویی باشد که نگاه کردن به او موجب سرور و شادمانی همسر بوده و در غیاب شوهر امانت دار و حافظ حریم خویش و خانواده و اموال شوهر باشد.^۲
۲. امام بر آراستگی برای همسر تأکید می‌کردند و می‌فرمودند: «آراستگی بر عفت زنان می‌افزاید.»^۳

● با خاندان و خانواده

سیره امام رضا ﷺ را در خصوص نحوه معاشرت با خویشاوندان و رفتار با اهل خانواده بیان فرمایید.

ارتباط صمیمانه با خاندان و خویشاوندان از راه‌های مهم رشد و تقرب به خداوند است.^۴ آن گونه که امام رضا ﷺ می‌فرمایند: «خداوند به تقوای الهی و صلۀ رحم فرمان داد. پس هر کس صلۀ رحم نکند، تقوای الهی را رعایت نکرده است.»^۵ امام ضمن حفظ آراستگی خود در خانه، بر آراسته بودن مرد در خانه تأکید می‌کردند^۶ و به آنان که امکانات دارند، لازم می‌شمردند تا خانواده خود را در رفاه و آسایش قرار دهند.^۷ می‌فرمودند: «شایسته است که

۱. کافی، ج ۵، ص ۵۰۶.

۲. وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۴۰.

۳. کافی، ج ۵، ص ۵۶۷.

۴. خصال، ص ۱۵۶؛ نک: جوادی آملی، مفاتیح الحیات، ص ۲۰۹ تا ۲۱۸.

۵. کافی، ج ۲، ص ۱۵۱.

۶. بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۰۰.

۷. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۴۹.

مرد بر خانواده‌اش از نظر مالی توجه بیشتر کند تا آرزوی مرگ او را نکنند.^۱ امام تأکید کردند: «اهل و عیال انسان، اسیر نعمت‌اند. شایسته آن است که چون نعمت خدا بر کسی وافر شود، بر اسیران خانواده‌اش وسعت دهد و بر رفاه آنان بیفزاید.»^۲ ایشان بر خوش اخلاقی و نیک رفتاری با خانواده توصیه می‌فرمودند: «در قیامت کسی به من نزدیک‌تر است که در دنیا خوش اخلاق‌تر و به خانواده خود نیکوکارتر باشد.»^۳

● رفتار با فرزند

امام رضا علیه السلام در خصوص فرزندان چه گفتاری دارند؟

فرزند دوستی امام رضا علیه السلام نکته زیبایی است که در بیان یکی از یاران حضرت آمده است.^۴ با درنگ در این روایت، از حضرت چند نکته تقدیم می‌شود:

۱. عقیقه برای پسر و دختر، نام‌گذاری، تراشیدن موهای سر نوزاد در روز هفتم و معادل وزن موها، طلا یا نقره صدقه دادن لازم است و ختنه پسر بچه‌ها واجب است.^۵
۲. افرادی که توانایی لازم را دارند، باید برزن و فرزند خود توسعه و گشایش دهند.^۶
۳. فرزندت را نزن و برای ادب‌کردنش از او قهر کن؛ ولی مواظب باش قهرت طول نکشد و هرچه زودتر آشتی کن.^۷
۴. امام رضا علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که ایشان می‌فرمودند:

۱. همان.
۲. کافی، ج ۴، ص ۱۲.
۳. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۵۳.
۴. کلثم بن عمران به امام گفت: أنت تحب الصبیان، فادع الله أن یرزقک ولداً؛ (شما فرزندان را دوست می‌دارید. همانا از خداوند درخواست می‌کنم که فرزندی به شما ارزانی کند.) إثبات الوصیة، ص ۲۱۷.
۵. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۲۳.
۶. صحیفة الرضا، جواد قیومی، ص ۴۰۳.
۷. بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۱۱۴.

«پنج چیز را تا آخر عمر رها نخواهم کرد... و پنجم سلام کردن بر کودکان، تا بعد از من سنت (رسم) باشد.»^۱

۵. از امام رضا علیه السلام درباره شخصی پرسیدند که پسر نوجوانش را به نماز خواندن وادار می‌کند و این فرزند گاهی نماز را ترک می‌کند. امام فرمودند: «این پسر چند سال دارد؟» گفتند: «آقا، هشت ساله است.» حضرت رضا علیه السلام با تعجب فرمودند: «سبحان الله! هشت ساله است و نمازش را ترک می‌کند؟!» گفتند: «بچه است، گاهی خسته و ناراحت می‌شود.» امام فرمودند: «هرطوری که راحت است، نمازش را بخواند.»^۲

۶. امام در نام‌گذاری مناسب فرزند تأکید می‌کردند. به طور مثال، حضرت می‌فرمودند: البیت الذی فیہ اسم محمد یصبح أهله بخیر و یمسون بخیر؛^۳ (خانه‌ای که در آن نام محمد باشد، صبح و شب با خیر سپری می‌شود.)

● با مدیران

مهم‌ترین وظیفه‌ای که هر مدیر و مقام دولتی برعهده دارد، چیست؟

مدیران جامعه برای دنیاگرایی و جمع‌آوری ثروت و اعتبار، عهده‌دار مسئولیت نشده‌اند. هنر مردان خدا در این مسند، خدمت و دست‌گیری و همچنین رفع ظلم است.

حضرت رضا علیه السلام می‌فرمودند: «در صحف ابراهیم بود که ای پادشاه مغرور! من تو را برنینگیکتتم تا کاخ بسازی و دنیا را فراهم کنی؛ بلکه تو را برنینگیکتتم تا دعای مظلوم را از من بازگردانی؛ چه، من آن را اگرچه از کافر باشد، رد نمی‌کنم.»^۴

حسن بن حسین انباری از حضرت رضا علیه السلام نقل می‌کند: درباره استخدام در کار سلطان، به حضرت رضا علیه السلام چهارده سال نامه می‌نوشتم. در آخرین

۱. علل الشرایع، ص ۵۴.

۲. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۲۰.

۳. بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۱۳۱.

۴. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۷۲.

نامه‌ای که نوشتم، توضیح دادم که من می‌ترسم از این گرهی که از محبت شما به گردن دارم و سلطان بگویند تو رافضی هستی؛ به دلیل اینکه خدمت سلطان و کار دولت را قبول نمی‌کنی.

حضرت رضا علیه السلام در جوابم نوشتند: «نامه‌ات رسید و متوجه شدم که بر جان خود می‌ترسی. اگر می‌دانی که وقتی متصدی کاری شدی، آن طور که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند، رفتار می‌کنی و همکاران و نویسندگان نیز هم عقیده با تو هستند، اگر پولی به دست آوردی، برابری با مؤمنان فقیر و تنگ دست می‌کنی، به طوری که یکی از آن‌ها شبیه ایشان می‌شود. این کار را بکن؛ وگرنه نباید بکنی.»^۱

● منشور زندگی جمعی

در زندگی جمعی چه توصیه‌ی مشخصی از امام رضا علیه السلام به ما رسیده است تا بدان عمل کنیم؟

یکی از یادگارهای زیبا و مهمی که از امام علیه السلام به پیروان خویش رسیده است، پیامی است که عبدالعظیم حسنی^۲ آن را روایت کرده است. روزی حضرت رضا علیه السلام چند نکته‌ی مهم به او آموختند و به او یادآور شدند تا آن را به شیعیان و یاران ابلاغ کند. این پیام که می‌توان آن را منشور زندگی جمعی نامید، بدین شرح است:

يَا عَبْدَ الْعَظِيمِ، أْبْلَغْ عَنِّي أَوْلِيَاءِي السَّلَامَ وَ قُلْ لَهُمْ أَنْ لَا تَجْعَلُوا لِلشَّيْطَانِ عَلَى أَنْفُسِهِمْ سَبِيلًا وَ مُرَّهُمْ بِالصَّدَقِ فِي الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ وَ مُرَّهُمْ بِالسُّكُوتِ وَ تَرْكِ الْجِدَالِ فِيمَا

۱. کافی، ج ۳، ص ۱۱۱.

۲. گروهی بر این عقیده‌اند که عبدالعظیم امام رضا علیه السلام را درک نکرده است. آنان به روایت فوق خدشه می‌کنند یا آنکه با تصرف در سند روایت، از «ابی الحسن الرضا»، «ابی الحسن الثالث» یعنی امام هادی علیه السلام را اراده می‌کنند و ضمن زائد دانستن کلمه «رضا»، اشتباه را به گردن راویان یا ناسخان کتاب می‌گذارند؛ اما با ملاحظه این مهم که یکی از مشایخ و اساتید عبدالعظیم، هشام بن حکم (وفات: ۱۹۸ق) است و این شخصیت و الامقام حدود پنج سال پیش از شهادت امام رضا علیه السلام به جوار حق شتافته است، دلیلی بر این مطلب و به دنبال آن خدشه به روایت فوق نیست؛ هرچند روایت دیگری همچون مکاتبه عبدالعظیم با امام رضا علیه السلام درباره ابوطالب، وجود دارد که گواه دیگری بر مدعاست و ناقدان محترم از آن یادی نکرده‌اند.

لَا يَغْنِيهِمْ وَاقْبَالِ بَعْضِهِمْ عَلَى بَعْضٍ وَ الْمُرَاوَرَةَ فَإِنَّ ذَلِكَ فُرْجَةٌ إِلَيْكَ وَ لَا يَشْعَلُوا أَنْفُسَهُمْ بِتَمْزِيْقِ بَعْضِهِمْ بَعْضًا فَإِنِّي الْيَتُّ عَلَى نَفْسِي أَنَّهُ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ وَ اسْتَحَطَّ وَلِيًّا مِنْ أَوْلِيَائِي دَعَوْتُ اللَّهَ لِيُعَذِّبَهُ فِي الدُّنْيَا أَشَدَّ الْعَذَابِ وَ كَانَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ وَ عَرَّفْتُهُمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ عَفَّرَ لِمُحْسِنِيهِمْ وَ تَجَاوَزَ عَنْ مُسِيئِيهِمْ إِلَّا مَنْ أَشْرَكَ بِي أَوْ آذَى وَلِيًّا مِنْ أَوْلِيَائِي أَوْ أَضْمَرَ لَهُ سُوءًا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ لَهُ حَتَّى يَرْجِعَ عَنْهُ فَإِنْ رَجَعَ عَنْهُ وَ إِلَّا نَزَعَ رُوحَ الْإِيمَانِ عَنْ قَلْبِهِ وَ خَرَجَ عَنْ وَلايَتِي وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ نُصَيْبٌ فِي وَلايَتِنَا وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ ذَلِكَ.^۱

(عبدالعظیم، سلام مرا به دوستانم برسان و به آن‌ها بگو: شیطان را به دل‌های خویش راه ندهند. در گفتار خویش راست‌گو باشند و امانت را ادا کنند. خاموشی را پیشه خود سازند. از جدال و نزاع بیهوده‌ای که سودی برایشان ندارد، دوری کنند. به همدیگر روی آورند و به دیدار و ملاقات هم بروند؛ زیرا این کار موجب نزدیکی به من است.

خود را به دشمنی و بدگویی با یکدیگر مشغول نسازند؛ زیرا با خود عهد کرده‌ام که اگر کسی چنین کاری انجام دهد و دوستی از دوستانم را ناراحت کند و به خشم آورد، خداوند را بخوانم تا او را در دنیا با شدیدترین عذاب‌ها مجازات کند و در آن سرا نیز از زیانکاران خواهد بود.

به ایشان بگو: همانا پروردگار نیکوکارانشان را آمرزیده و از خطای گنهکارانشان درگذشته است؛ مگر کسی که به خدا شرک بورزد یا دوستی از دوستانش را بیازارد یا کینه آن‌ها را به دل بگیرد. به درستی که خداوند او را نخواهد بخشید تا آنکه از کردار ناشایست خویش دست بکشد. هرگاه از این اعمال نادرست دوری گزیند، آمرزش خدا را شامل خود گردانده است؛ وگرنه روح ایمان از قلبش بیرون رفته و از «ولایت» ما خارج شده است و بهره‌ای از ولایت ما نخواهد برد. پناه بر خدا از این.)



كتابنامه

١. قرآن كريم.
٢. نهج البلاغه.
٣. ابن شعبه حرانى، حسن بن على، تحف العقول، قم: الاسلامى، ١٤٠٤ق.
٤. ابن طاووس، على بن موسى، الأمان من أخطار الأسفار و الأزمان و الأزمان، قم: آل البيت عليه السلام، ١٤٠٩ق.
٥. ابن طاووس، على بن موسى، جمال الأسبوع بكمال العمل المشروع، قم: دار الرضى، بى تا.
٦. ابن طاووس، على بن موسى، محاسبة النفس، تهران: مرتضوى، ١٣٧٦ش.
٧. ابن طاووس، على بن موسى، مهج الدعوات و منهج العبادات، قم: دار الذخائر، ١٤١١ق.
٨. ابن فارس، أحمد بن فارس، معجم مقائيس اللغة، قم: مكتب الاعلام الاسلامى، ١٤٠٤ق.
٩. ابن فتال نيشابورى، محمد بن احمد، روضة الواعظين، قم: رضى، ١٣٧٥ش.
١٠. ابن فهد حلى، احمد بن محمد، عدة الداعى و نجاح الساعى، بى جا، الاسلامى، ١٤٠٧ق.
١١. اربلى، على بن عيسى، كشف الغمة فى معرفة الأئمة، تبريز: بنى هاشمى، ١٣٨١ق.
١٢. امام صادق عليه السلام (منسوب به)، مصباح الشريعه، بيروت: مؤسسة الأعلمى للمطبوعات، ١٤٠٠ق.
١٣. امين عاملى، محسن، اعيان الشيعة، بيروت: دارالتعارف للمطبوعات.
١٤. آمدى، عبد الواحد بن محمد، تصنيف غرر الحكم و درر الكلم، قم: دفتر تبليغات اسلامى، ١٣٦٦ش.

۱۵. بلخی رومی، جلال الدین محمد بن محمد، مثنوی معنوی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۳ ش.
۱۶. جوادی آملی، عبدالله، مفاتیح الحیات، قم: اسراء، ۱۳۹۱ ش.
۱۷. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم: آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ ق.
۱۸. حلّی، رضی الدین علی بن یوسف بن المطهر، العدد القویة لدفع المخاوف الیومیة، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۸ ق.
۱۹. خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین، تاریخ حبیب السیر، تهران: کتابفروشی خیام، ۱۳۶۲ ش.
۲۰. دیلمی، حسن بن محمد، ارشاد القلوب إلى الصواب، قم: الشریف الرضی، ۱۴۱۲ ق.
۲۱. ذهبی، محمد بن احمد بن عثمان، سیر اعلام النبلاء، بیروت: الرسالة، ۱۹۹۶ م.
۲۲. راوندی، قطب الدین سعید بن هبة الله، الخرائج و الجرائح، قم: مؤسسه امام مهدی (ع)، ۱۴۰۹ ق.
۲۳. زمخشری، محمود بن عمر، أساس البلاغة، بیروت: دار صادر، ۱۹۷۹ م.
۲۴. سبزواری، ملاهادی، هادی المضلین، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۳ ش.
۲۵. شبستری، محمود، گلشن راز، تهران.
۲۶. صدوق (شیخ صدوق)، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، التوحید، قم: اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ۱۳۵۷ ش.
۲۷. صدوق (شیخ صدوق)، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، الخصال، قم: اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.
۲۸. صدوق (شیخ صدوق)، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم: دار الشریف الرضی للنشر، ۱۴۰۶ ق.
۲۹. صدوق (شیخ صدوق)، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، علل الشرایع، قم: کتابفروشی داوری، ۱۳۸۵ ق.

۳۰. صدوق (شيخ صدوق)، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، عیون أخبار الرضا عليه السلام، تهران: جهان، ۱۳۷۸ق.
۳۱. صدوق (شيخ صدوق)، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، کتاب من لایحضره الفقیه، قم: اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق.
۳۲. صدوق (شيخ صدوق)، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، معانی الاخبار، قم: اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ق.
۳۳. طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۳۴. طبرسی، امین الاسلام فضل بن حسن، مجمع البیان، تهران: اسلامی، ۱۳۷۴ق.
۳۵. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷ش.
۳۶. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، قم: الشریف الرضی، ۱۴۱۲ق.
۳۷. طوسی، محمد بن الحسن، الأمالی، تهران: دار الثقافة، ۱۴۱۴ق.
۳۸. العروسی الحویزی، عبد علی بن جمعة، نور الثقلین، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
۳۹. عطار دی، عزیز الله، مسند الامام الرضا عليه السلام، مشهد: آستان قدس، ۱۴۰۶ق.
۴۰. علی بن موسی الرضا عليه السلام، صحیفة الامام الرضا عليه السلام، مشهد: کنگره جهانی امام رضا عليه السلام، ۱۴۰۶ق.
۴۱. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران: چاپخانه علمیه تهران، ۱۳۸۰ق.
۴۲. الفقه المنسوب إلى الامام الرضا عليه السلام، مشهد: مؤسسه آل البيت عليه السلام، ۱۴۰۶ق.
۴۳. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، الوافی، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی عليه السلام، ۱۴۰۶ق.
۴۴. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، تهران: اسلامی، ۱۴۰۷ق.

۴۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۴۶. مجلسی، محمدتقی بن مقصود، لوامع صاحبقرانی المشتهر بشرح الفقیه، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۴ق.
۴۷. مدرسی، سید محمدتقی، تفسیر هدايت، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷ش.
۴۸. مسعودی، علی بن الحسین بن علی، اثبات الوصیة، قم: انصاریان، ۱۴۲۶ق.
۴۹. مطهری، مرتضی، سیره نبوی، تهران: صدرا.
۵۰. مفید، محمد بن محمد، الاختصاص، قم: اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق.
۵۱. مفید، محمد بن محمد، الأمالی، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۵۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: الاسلامیه، ۱۳۷۴ش.
۵۳. نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: آل البيت علیه السلام، ۱۴۰۸ق.
۵۴. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب بن واضح، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱ش.